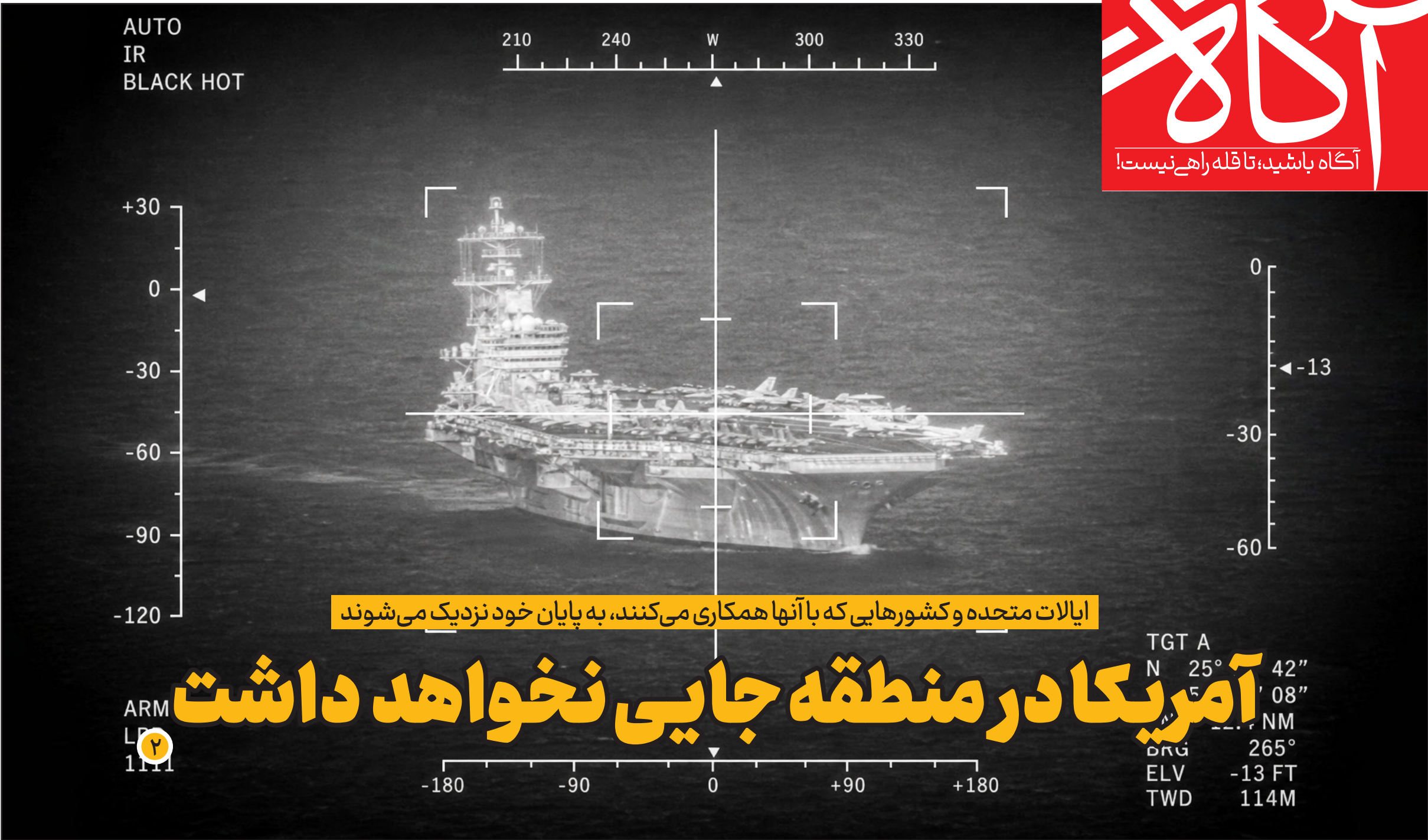


با آثا رو گفتاری از:

فاطمه آزاد، یوسف پورجم، نقیسه محمدی
محمد امامی، فاطمه حسین پور، حسین انجدانی
جواد طلوع، سجاد میرزایی، سعید سپاهی و شادی ورشوچی

وحدت و انسجام بر اصول



آمریکا در منطقه جایی نخواهد داشت

نماینده مجلس:

ناترازی بنزین با گران کردن سوخت، حل نمی‌شود

نیستند، نباید مردم را مسئول این وضعیت دانست. بخش قابل توجهی از منابع و یارانه‌هایی که در حوزه سوخت پرداخت می‌شود، باید به سمت توسعه حمل‌ونقل عمومی، نوسازی ناوگان و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای کاهش مصرف هدایت شود. لاهوتی ادامه داد: اگر برای کاهش مصرف سوخت، امکانات و زیرساخت‌های لازم را فراهم نکرده‌ایم، نمی‌توان مردم را مقصر دانست. همچنین اگر در کنترل و مدیریت قاچاق سوخت موفق نبوده‌ایم، نباید هزینه این ناکارآمدی را از جیب مردم دریافت کنیم. وی با تأکید بر اینکه افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی را به صلاح نمی‌داند، اظهار کرد: اگر قرار باشد افزایش قیمت بنزین همزمان با افزایش سایر هزینه‌های زندگی و اعمال فشارهای مالیاتی اتفاق بیفتد، قطعاً برای مردم قابل پذیرش نخواهد بود. پیش از هرگونه تصمیم درباره قیمت بنزین باید اصلاح الگوی مصرف، توسعه حمل‌ونقل عمومی، بهینه‌سازی خودروها و مقابله جدی با قاچاق سوخت در دستور کار قرار گیرد.

برخی محاسبات مطرح‌شده درباره قیمت تمام‌شده بنزین، تأکید کرد که افزایش قیمت سوخت در شرایط فعلی نمی‌تواند به‌تنهایی راهکار رفع ناترازی باشد. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی ادامه داد، محاسباتی که امروز از سوی دولت درباره قیمت بنزین مطرح می‌شود، محل تأمل است. دولت نفت خام را در اختیار پالایشگاه قرار می‌دهد و مبادلات نیز در واقع بر مبنای نفت خام و به صورت تهازری انجام می‌شود، بنابراین این موضوع باید در محاسبه قیمت تمام‌شده بنزین به درستی لحاظ شود. وی با بیان اینکه پیش از هر تصمیمی درباره قیمت بنزین باید هدف دولت به‌طور شفاف مشخص شود، افزود: دولت اعلام می‌کند که هدف از افزایش قیمت بنزین، رفع ناترازی و مدیریت مصرف سوخت است. اما باید پرسید آیا صرفاً با افزایش قیمت می‌توان مصرف بنزین را کاهش داد؟ تجربه نشان داده است که افزایش قیمت به‌تنهایی الزاماً به کاهش مصرف منجر نمی‌شود. این نماینده مجلس با اشاره به رشد حدود ۱۰ درصدی مصرف بنزین، تصریح کرد: اگر خودروهای تولیدشده در کشور از نظر میزان مصرف سوخت، استاندارد و بهینه

موضوع قیمت بنزین و نحوه مدیریت مصرف سوخت در کشور، بار دیگری یکی از مباحث مهم اقتصادی تبدیل شده است؛ موضوعی که از یک سو با رشد مصرف و افزایش هزینه‌های تأمین سوخت و از سوی دیگر با معیشت و قدرت خرید خانوارها ارتباط مستقیم دارد. در این میان، هرگونه تصمیم برای تغییر قیمت بنزین می‌تواند آثار گسترده‌ای بر هزینه‌های حمل‌ونقل، قیمت کالاها و خدمات و در نهایت زندگی روزمره مردم داشته باشد. دولت در شرایطی از ضرورت مدیریت مصرف و رفع ناترازی بنزین سخن می‌گوید که کارشناسان و نمایندگان مجلس بر این باورند که حل این مسئله صرفاً از مسیر افزایش قیمت امکان‌پذیر نیست و باید مجموعه‌ای از سیاست‌ها از جمله اصلاح الگوی مصرف، بهینه‌سازی خودروها، توسعه حمل‌ونقل عمومی و مقابله با قاچاق سوخت به صورت همزمان دنبال شود. از این منظر، پیش از تحمیل هزینه‌های جدید به مردم، باید ریشه‌های شکل‌گیری ناترازی و سهم هر یک از عوامل در افزایش مصرف مشخص شود.

در همین راستا، مهرداد لاهوتی، نماینده مجلس، در گفت‌وگو با «آگاه» با انتقاد از

ممنوعیت استراتژیک



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

«بنده قاطعانه اعلام می‌کنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.» شاید بتوان گفت از ابتدای زعامت رهبر انقلاب تا به امروز اگر بخواهیم یک فراز و جمله اصلی را به عنوان یکی از مهم‌ترین رهنمودهای ایشان مورد اشاره قرار دهیم؛ جمله بالاست. چرا این جمله دارای اهمیت استراتژیک و اساسی است؟
۱. **تبدیل «انسجام» از یک هدف، به یک «خط قرمز»:** اهمیت استراتژیک این جمله در قاطعیت لحن آن است. عبارت «ممنوع است» در ادبیات سیاسی و حکمرانی، عبور از توصیه و ورود به حوزه حکم حکومتی یا تعیین خط قرمز غیرقابل تغییر است. این یعنی انسجام اجتماعی در اینجا «پیش‌نیاز بقا و پیشرفت» تلقی شده است.
۲. **پیش‌شرط «قدرت ملی»:** رهبر انقلاب همواره بر این نکته تأکید دارند که دشمن برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی، از استراتژی «تفرقه» استفاده می‌کند. انسجام اجتماعی، سپر دفاعی در برابر مداخلات خارجی و نفوذ دشمن است. وقتی جامعه‌ای منسجم باشد، پروژه‌های «دوقطبی‌سازی» (مانند دوقطبی‌های قومی، مذهبی، طبقاتی یا سیاسی) شکست می‌خورند. بنابراین، تأکید بر انسجام، در واقع تأکید بر «مصون‌سازی ایران» است. دشمن وقتی موفق می‌شود که شکاف‌ها را به گسل‌های امنیتی تبدیل کند، پس «ممنوع کردن» آنچه به‌ضرر انسجام است، خنثی‌کننده اصلی‌ترین نقشه دشمن است.

۳. **فراهم‌سازی بستر برای «پیشرفت و حل مشکلات»:** پیشرفت کشور در گرو کارآمدی است و کارآمدی بدون «همدلی و مشارکت عمومی» محقق نمی‌شود. اگر جامعه دچار تفرقه و تشنج دائمی باشد، انرژی نخبگان، دستگاه‌های اجرایی و مردم به‌جای صرف شدن در مسیر توسعه، تولید و حل مشکلات اقتصادی، صرف اصطکاک‌های بیپایه سیاسی و اجتماعی می‌شود.

۴. **مدیریت «تنوع و تکثر» در عین وحدت:** ایران کشوری با تنوع قومی، مذهبی، فرهنگی و سلاقی سیاسی است. اهمیت این رهنمود در این است که رهبر انقلاب همواره «تکثر» را یک فرصت می‌دانند، به شرطی که به «تفرقه» منجر نشود.

۵. **مسئولیت‌پذیری نخبگان و مسئولان:** وقتی «هر آنچه به‌ضرر انسجام است» ممنوع می‌شود، بار سنگینی بر دوش مسئولان، رسانه‌ها و تریبون‌داران قرار می‌گیرد. هر کلمه، هر اقدام یا تصمیمی که منجر به ناامیدی مردم، دلسردی نسبت به آینده یا تحریک هیجانات مخرب علیه یکدیگر شود، با این معیار رهبری، در زمره «ممنوعات» قرار می‌گیرد. این یعنی ایشان از مسئولان «بلوغ سیاسی» و «سعه صدر» می‌خواهند. با توجه به این موارد حائز اهمیت است تا مسئولان امر نخبگان و سیاست‌گذاران برای تحقق این امر مهم موارد زیر را به عنوان رهنمودهای عملیاتی در نظر بگیرند:

الف) **پایش مستمر «وضعیت انسجام ملی»:** انسجام ملی یک متغیر سیال است و نیاز به سنجش دائمی دارد. باید به‌هر نحو که شده است این موضوع مورد توجه و اقدام قرار می‌گیرد.
ب) **تقویت «هویت‌های مشترک فراتر از سلاقی سیاسی و اجتماعی»:** تمرکز مداوم بر تفاوت‌های سیاسی، فکری و اجتماعی ذره ذره انسجام را نابود می‌کند. باید فکر جدی در مسئولین امر باشد تا این موضوع را در لایه‌های مختلف جامعه تقویت کنند.
ج) **نظارت هدفمند و برنامه‌دار بر «شبکه‌های اجتماعی»:** فضای مجازی در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین میدان‌ها و عرصه‌ها برای گسست اجتماعی است. نباید آن را رها کرد و بدون ضابطه بگذاریم تا مسیر خود را بیرون، راهی نیست جز شناختن ریشه‌های ضد انسجام در فضای مجازی و مقابله با آنها.
د) **طراحی چارچوب برای اجرای نقد سازنده:** فضای نقد سازنده باید با تخریب متفاوت شود. این مقوله نیازمند یک چارچوب واقعی است. نه فقط برای امروز بلکه سال‌هاست که چنین مقوله‌ای هزینه‌های فراوانی در پی داشته است.

رئیس کل بانک مرکزی تأکید دارد که گرد و خاک ایجادشده در بازار ارز، فروخواهد نشست

ارز به ناکجا؟

نرخ ارز، ظرفیت‌های قانونی لازم تا حد زیادی پیش‌بینی شده است و در صورت اجرای دقیق قوانین و استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری موجود، می‌توان از سرایت نوسانات ارزی به بازار کالا و خدمات جلوگیری کرد. از نگاه نمایندگان، مسئله اصلی پیش از آنکه کمبود قانون باشد، به نحوه اجرای قوانین، هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های به‌موقع برای کنترل نقدینگی، حمایت از تولید و تنظیم بازار بازمی‌گردد؛ موضوعی که در شرایط تشدید تحریم‌ها و افزایش فشارهای خارجی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

جعفر قادری در گفت‌وگو با «آگاه» به راهکار مهار نوسانات ارزی اشاره کرد و گفت: مشکل اصلی بازار ارز، نبود قانون نیست؛ اجرای ناقص قوانین و تاخیر در به‌کارگیری ابزارهای پیش‌بینی‌شده در برنامه هفتم است. در این برنامه، بانک مرکزی موظف شده بازار ارز را با ابزارهایی مانند بازتوافقی، نظارت دقیق بر صرافی‌ها و مدیریت تقاضای واقعی کنترل کند. این نماینده مجلس با بیان اینکه برنامه هفتم سیاست‌های ارزی را به سمت تک‌نرخ شدن و شفافیت هدایت می‌کند، تصریح کرد: اگر سامانه‌های نظارتی و ثبت سفارش به درستی به یکدیگر متصل شوند و تقاضای کاذب از بازار حذف شود، بخش بزرگی از نوسانات کاهش پیدا می‌کند. وی تأکید کرد: وقتی قانون جامع در اختیار داریم، تعلل در تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی یا مقاومت برخی دستگاه‌ها در برابر شفافیت‌پذیرفتنی نیست. دولت باید هرچه سریع‌تر سازوکارهای برنامه هفتم را فعال کند تا بازار ارز از حالت ملتهب خارج شود. این نماینده مجلس در پایان خاطر نشان کرد: مهار نوسانات ارزی نیازمند اراده اجرایی، هماهنگی تیم اقتصادی و نظارت مستمر دولت است، با اجرای کامل برنامه هفتم می‌توان بازار ارز را به ثبات نسبی رساند.

افزایش قیمت ارز بار دیگر به سرخط اخبار اقتصادی کشور بازگشته است؛ افزایشی که این بار گوی‌مرزی نمی‌شناسد و در زمان نگارش این گزارش، نرخ دلار از مرز ۲۲۰ هزار تومان نیز عبور کرده است. نرخ ارز در اقتصاد ایران صرفاً یک شاخص در بازارهای مالی نیست، بلکه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با معیشت مردم، قیمت کالاها و خدمات، هزینه تولید و انتظارات تورمی گره خورده است؛ از این رو هرگونه نوسان شدید در بازار ارزی می‌تواند موجی از التهاب را به سایر بازارها منتقل کند. اهمیت مدیریت بازار ارز در اقتصاد کشور تا آنجاست که براساس بند «پ» ماده ۱۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت، مسئولیت ثبات بخشی به نرخ ارز، کمک به تک‌رقمی کردن تورم و جهت‌دهی به نقدینگی و اعتبارات بانک‌ها به سمت فعالیت‌های مولد، در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی، بر عهده بانک مرکزی گذاشته شده است. با این حال، بازار ارزی روزهای اخیر بار دیگر با افزایش قابل توجه قیمت‌ها مواجه شده؛ اتفاقی که نگرانی‌ها درباره آثار آن بر تورم، قدرت خرید خانوارها و هزینه‌های تولید را افزایش داده است.

در همین رابطه، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، روز ۱۰ شهریور درواکنش به افزایش قیمت ارز تأکید کرد که «گرد و خاک ایجادشده در بازار ارز فروخواهد نشست» و افزایش اخیر نرخ ارز بیش از آنکه ناشی از عوامل واقعی باشد، تحت تأثیر فضای روانی قرار دارد. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که بازار ارز در ماه‌های اخیر علاوه بر متغیرهای اقتصادی، به شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی و امنیتی و همچنین اخبار مربوط به تحریم‌ها قرار داشته است؛ عواملی که می‌توانند با تغییر انتظارات فعالان اقتصادی، تقاضای احتیاطی برای ارز را افزایش دهند.

با این حال، نمایندگان مجلس معتقدند برای مقابله با آثار تورمی افزایش





ایالات متحده و کشورهای که با آنها همکاری می‌کنند، به پایان خود نزدیک می‌شوند

آمریکا در منطقه جایی نخواهد داشت

۹ در پایگاه هوایی ایالات متحده در آردن موسوم به پرنس حسن از دیگر اقدامات بازدارنده سپاه انقلابی بود. ارتش نیز همانند سپاه پایگاه‌های حساس آمریکا را موشکباران کرد تا نشان دهد پاوه‌گویی‌ها و تهدیدات مستاجر کاخ سفید هیچ ارزشی برای سربازان فرمانده کل قوا ندارد. بر همین اساس، در بیست‌ونهمین مرحله از عملیات صاعقه و در پاسخ به تجاوز دشمن به مناطق جنوبی کشور، «آجا» تأسیسات راداری و مراکز تجمع نیروهای تروپرست آمریکایی در پایگاه شیخ عیسی بحرین را هدف حملات پر حجم پهپادهای انهدامی قرار داد. پایگاه شیخ عیسی بحرین، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین پایگاه‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس و مراکز مهم تعمیر و نگهداری بالگردها و قطعات پهپادها و میزبان هواپیماهای شناسایی است.

عملیات ارتش ادامه دارد

در سی‌امین مرحله از عملیات صاعقه و در پاسخ به هدف قراردادن مردم بی‌گناه، از بمباران دیرپو، ده‌ها فروند پهپاد انهدامی ارتش، سامانه‌های راداری و محل استقرار نیروهای آمریکا در پایگاه‌های الظفره و المنهات امارات را مورد هدف قرار دادند. همچنین، تأسیسات راداری و مراکز تجمع نیروهای تروپرست آمریکایی در پایگاه شیخ عیسی بحرین، مجدداً مورد هدف حملات پر حجم پهپادهای انهدامی آتش قرار گرفت. پایگاه الظفره یکی از مراکز مهم عملیاتی آمریکایی برای چنایکار در منطقه است و از آن برای عملیات هوایی، شناسایی، مراقبت و پشتیبانی استفاده می‌کند.

بالاخره آنچه مشخص است، حمله به مناطق مسکونی و هدف قرار دادن مراسم عروسی از سوی دشمن، مصداق بارز جنایت جنگی و آشکار کننده ماهیت پلید «حقوق بشر آمریکایی» است و قطعا پاسخ رزمندگان ارتش و سپاه به این جنایات دامنه‌دار و گسترده خواهد بود. در دو جنگ تحمیلی گذشته ما همه برگ‌های برنده خود را رو نکرده بودیم، حال که آمریکا و صهیونیست‌ها چنین می‌خواهند باید ببینند، شاهد و ناظر مرگ نیروها و سربازان‌شان باشند. انتقام تازه آغاز شده است، مگر ما در قانون جنگل به سر می‌بریم که دیوانه‌ای اجازه به خود دهد یا گستاخی تمام به مردم مظلوم و کودکان حمله و به بهانه‌های واهی آنها را قتل عامل کند و به راحتی از کنارشان بگذرد هنوز که هنوز است ملت ما عزارار، شهادت رهبر و مقتدای‌شان و کودکان معصوم میناب و مردم بی‌گناه لامرد هستند، این داغ هیچگاه سرد نمی‌شود و فقط انتقام سخت می‌تواند تسکین‌دهنده «آه» بلند ایرانیان باشد.

حملات اخیر رژیم آمریکا به مناطق جنوبی کشور، به ویژه حمله به یک مراسم عروسی در سیریک و سوابق مشابه آن در میناب و لامرد، در دسته «جنایات تروپرستی» قرار می‌گیرند که هدف آنها نه دستیابی به یک هدف نظامی مشخص، بلکه ایجاد اختلال در لایه‌های اجتماعی و امنیتی است. حال باید پرسید چرا آمریکا برای تهاجم مجدد به کشورمان، با هدف از پیش تعیین شده یک مراسم عروسی را به عزت تبدیل کرد؟

الف) انتخاب اهداف غیرنظامی و مراسم‌های اجتماعی، نشان‌دهنده تلاش دشمن برای سنجش سرعت و کیفیت پاسخ است. آمریکا می‌خواهد پی‌برد در صورت بروز یک درگیری گسترده، سیستم‌های امنیتی ایران در مناطق حاشیه و جنوبی با چه سرعت و دقتی واکنش نشان می‌دهند. اکنون با ضربات طوفانی دریافت شده دوباره به این نتیجه خواهد رسید که هیچگاه با حمله نظامی

آمریکا سه شنبه شب به بندرعباس، سیریک، جاسک و قشم حمله کرد و بر اثر آن یک منطقه مسکونی در شهرستان سیریک و مراسم جشن عروسی مورد هدف قرار گرفت؛ با حمله تروپرست‌های آمریکایی به یک عروسی بار دیگر، نقاب از چهره کریمه مدعی آزادی افتاد. به فرموده «آقای شهید ایران» دوران «بزن درو» تمام شده. بزنید، سیلی‌های محکم و سختی خواهید خورد. چنانچه در جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه موشک‌ها و پهپادهای سپاه و ارتش پایگاه‌های آمریکا در منطقه را شخم زدند.

به گزارش «آگاه» هر چند به دستور رئیس‌جمهور آمریکا، حمله مجدد به خاک ایران از سر گرفته شد، اما مردروانی کاخ سفید پس از عملیات تروپرستی که انجام داد به التماس افتاد و در صفحه شخصی‌اش خواست، پاسخی از سوی «جمهوری اسلامی» داده نشود. بیچاره در فضای دیگر به سر می‌برد و گمان می‌کند مردم و مسئولان ایران همانند سایر رؤسای کشورهای دیگر منتظر می‌مانند تا هر آنچه از سوی او بیان می‌شود را بپذیرند و هیچ نگویند. البته خود او به این موضوع واقف است اما حکم فردی را دارد که خود را کامل به خواب زده و نمی‌خواهد از خواب بیدار شود.

پس از حمله نظامی ارتش آمریکا به نقاطی از استان هرمزگان، همان سیاست جنگ تحمیلی ۴۰ روزه توسط دلاورمردان نیروهای مسلح اعمال شد. ارتش و سپاه وارد میدان شدند و درس مهمی به تجاوز شوم دشمن متجاوز دادند. سپاه در اطلاعیه شماره هشت خود با بیان اینکه ارتش تروپرستی آمریکا سناریوی ارباب را که بارها در تجاوز به کشورهای مختلف به اجرا گذاشته بود، یعنی حمله به جشن عروسی و ازدواج برای نمایش قساوت و سنگدلی و ترساندن مردم را تکرار کرد، غافل از اینکه نه ملت ایران ملتی است که از این بازی‌ها بترسد و نه دوران، دوران حقارت و تسلیم ملت‌هاست. جهان بیدار شده و این قرن، قرن غلبه اراده ملت‌ها است. با این مانورهای سنگدلی، کنترل نیروهای ما بر تنگه هرمز تضعیف نخواهد شد. ساعاتی پیش دو فروند کشتی نفتکش که با تحریک ارتش آمریکا خدمه خود را پیاده کرده و برای گذر از مسیر غیرقانونی در اختیار عوامل آمریکا قرار گرفته بودند، با رفتن روی مین منجر و متوقف شدند و در آتش می‌سوختند.

کار به اینجا ختم نشد و ضربات یکی پس از دیگری وارد می‌شد و اخبار آن در فضای مجازی و رسانه‌ها منتشر. اما در پاسخ به این جنایت با بمباران دیرپو رزمندگان غیور نیروی زمینی سپاه با حمله تلفیقی موشکی – پهپادی به قرارگاه و محل اسکان فرمانده آمریکایی پایگاه علی‌السالم، تعدادی از عناصر دشمن را به هلاکت رساندند. سپس آشیانه پهپادی و رمپ استقرار پهپادهای مشارکت کننده در حملات علیه مردم را به آتش کشیده و تعدادی از پهپادها را منهدم کردند.

حمله تلفیقی موشکی و پهپادی به پایگاه‌های آمریکایی در اربیل که منجر به نابودی مرکز تعمیراتی و انبارهای تجهیزات فنی ارتش تروپرست آمریکا و انهدام و سامانه هدایت بالون جاسوسی آنها شد در کنار حمله سنگین موشک‌های بالستیک به آشیانه هواپیماهای بدون سرنشین دور پرواز آرکیو ۴ و ام‌کیو



تحمیل خسارت‌های بیشتر به آمریکا

عباس مقتدایی

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس

آمریکایی‌ها در ادامه اقدامات خود، مناطقی از بخش‌های جنوبی ایران، به ویژه در نزدیکی تنگه هرمز را مورد حمله قرار داده‌اند که بخشی از این نیز هدف حملات قرار گرفته بود. این شرارت بدون پاسخ نخواهد ماند و جمهوری اسلامی ایران علاوه بر پاسخ به این اقدام، ضربات سنگینی را به متجاوزان وارد خواهد کرد.

آمریکایی‌ها پیش از این مدعی شده بودند که ایران دیگر توان رزم و توان نظامی لازم را ندارد، اما اکنون خودشان تلاش می‌کنند موضعی را در داخل ایران هدف قرار دهند، بنابراین اگر ایران توان نظامی ندارد، اساساً علت این حملات و تلاش برای وارد کردن ضربه به کشور چیست؟ اگر آمریکا واقعا به ارزیابی‌های قبلی خود درباره توان نظامی ایران باور داشت، نباید دست به چنین اقداماتی می‌زد! آنها اگر بر شرارت خود اصرار داشته باشند، خسارات بسیار بیشتری را تحمل خواهند کرد و این همان موضوعی است که ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تأکید کرد. آمریکایی‌ها با وجود همه حرف‌هایی که درباره اقدامات آینده خود مطرح می‌کنند، گزینه‌های زیادی در اختیار

نمی‌تواند به اهداف مناقفانه‌اش دست یابد.

ب) از آنجاکه آمریکا فقط به دنبال تسلیم ایران است و نتوانست در میز مذاکره یا دو جنگ تحمیلی آنچه در رویا می‌پروراند را به واقعیت تبدیل کند، بنا دارد با ایجاد ناامنی در برخی نقاط. به خصوص جنوب کشور، ایران را به سمت تغییر در سیاست‌های کلان یا دادن امتیازات سیاسی سوق دهد. حضرت روح‌الله در همان اوایل انقلاب پاسخ این تروورها و جنایات را داده بود، آنجا که فرمود:

«بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود.»

از سوی دیگر، پاسخ سریع و کوبنده نیروهای مسلح ایران به جنایت آمریکا در سیریک، فراتر از یک واکنش متقابل، حامل پیام‌های بازدارنده زیر است:

۱. **ابطال نظریه «غافلگیری»:** واکنش سریع و دقیق، این پیام را به دشمن منتقل کرد که «عنصر غافلگیری» در برابر هوشمندی

نیروهای مسلح ایران شکست خورده است و هر ضربه به هر نقطه از خاک ایران، پاسخی متناسب یا فراتر از آن را در پی خواهد داشت.

۲. **اثبات تسلط کامل در میدان:** دست ایران برای پاسخ باز است. در همین چند عملیات ارتش و سپاه پایگاه‌های شناخته شده که نیروهای زیادی در آنجا حضور داشتند در تیررس نیروهای مسلح قرار گرفت و تعدادی از فرماندهان و نیروهای آمریکایی به درک واصل شدند و این موضوع، اعتماد به نفس دشمن در انجام عملیات‌های نامتقارن را می‌گیرد و به او می‌فهماند در سایه حرکت نمی‌کند.

۳. **تغییر معادله «هزینه-سود»:** آمریکا با هدف ایجاد «هزینه‌روانی زیاده در ایران» در برابر «هزینه عملیاتی کم» برای خود دوباره به حمله روی آوردند. اما پاسخ بهنگام و قاطع نیروهای مسلح، این معادله را برگرداند. به گونه‌ای که حالا هر حرکت تروپرستی، منجر

ندارند، چراکه زیرساخت‌های آنها در منطقه آسیب دیده و حتی اگر بخش‌هایی از این زیرساخت‌ها باقی مانده باشد، امکان استفاده موثر از آنها برایشان وجود ندارد. حتی زمانی که آمریکایی‌ها از مناطق دورتر اقدام کردند، از جمله از اردن، مبدأ حمله آنها نیز مورد هدف قرار گرفت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تجهیزات و ابزارهای بومی، آن را درهم کوبیدند. نکته‌ای که در این فضا حائز اهمیت است به هماهنگی میان بخش‌های مختلف کشور در بالاترین سطح برمی‌گردد. امروز بالاترین سطح هماهنگی میان بخش‌های مختلف کشور و بیشترین میزان اراده برای متوقف کردن دشمن وجود دارد. این وضعیت را می‌توان اوج انسجام درونی ایران برای بهره‌گیری از تجهیزات بومی و اعمال اراده ایرانیان برای دفاع از امنیت کشور و منطقه دانست، موضوعی که اکنون به شکل عینی قابل مشاهده است. امروز در کشور، شاهد وحدت و انسجام در رفتار و پشتیبانی از نیروهای مسلح در همه سطوح هستیم و این انسجام، پشتوانه مهمی برای مقابله با تجاوز و دفاع از امنیت کشور محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران صلح‌طلبی خود را به جهانیان اعلام و آن را نشان داده است، اما صلح‌طلبی به معنای کوتاه آمدن در برابر دشمن نیست. هرگونه کوتاه آمدن در برابر دشمن می‌تواند کشور، مردم عزیز ایران و سرزمین ما را در معرض آسیب قرار دهد، بنابراین در چنین شرایطی با هیچ دولت یا طرف متخاصمی مامشات نخواهیم کرد و قاطعانه پاسخ خواهیم داد.

به یک هزینه نظامی و عملیاتی واقعی برای دشمن می‌شود. در مجموع، جنایات اخیر آمریکا تلاشی برای ایجاد «ترس» در لایه‌های اجتماعی بود. اما پاسخ ارتش و سپاه، این ترس را با جبهه دشمن گشاند. بنابراین، عملیات نیروهای مسلح حامل دو پیام به دشمن بود: اول اینکه تداوم شرارت آمریکایی‌ها در منطقه با پاسخ‌های گسترده ترروبه‌رو می‌شود و هر کشوری با ارتش متجاوز آمریکا همکاری کند باید عواقب خطرناک آن را بپذیرد. در همین حد، پاسخ داده شده «اعتبار تروپرستی» آمریکا را در منطقه تخریب کرد و «اعتبار بازدارندگی» ایران را در برابر حملات نامتقارن به اثبات رساند و دوم هم هرگونه اقدام تروپرستی، به جای ایجاد زلزل، منجر به پاسخ سخت و هدفمند در دو جبهه «میدان» و «خیابان» خواهد شد. پس موشک‌های ایران که به سمت تان می‌آید نشود جانتان، بزن که خوب می‌زنی.

«آگاه» به بررسی پیام مسئولان کشوری و لشکری در واکنش به جنایت ایالات متحده در سیریک پرداخت

جنگ نظامی و رسانه‌ای آمریکا و جهاد تبیین کارگزاران

نازنین، از جمله یک کودک را از ما گرفت و ۵۰ نفر را با زخم‌های این جنایت برتن برجای گذاشت. چشنی که به سوگ نشست، سند دیگری از جنایات ضدانسانی آمریکاست. همه ما در غم و اندوه خانواده‌های داغدار و مردم سیریک شریکیم. ■ **حجت‌الاسلام سیدمحمود علوی،** وزیر اطلاعات در دولت‌های یازدهم و دوازدهم و رئیس شورای اقوام، ادیان و مذاهب در موضع‌گیری خود با بیان اینکه قشم، میناب و لامرد برای ما تنها نام چند شهر نیستند، نماد مظلومیت مردمی هستند که در سخت‌ترین شرایط، با وجود همه تفاوت‌های قومی و مذهبی، در کنار یک‌دیگر ایستاده‌اند، تصریح کرد، امروز بیش از هر زمان دیگری باید بدانیم که خون شیعه و سنی، فارس و بلوچ و عرب و ترک و کرد، همه خون ایرانی و همه عزیز و محترم است. عاملان این جنایت‌ها باید بدانند که هیچ سلاح و قدرتی نمی‌تواند حقیقت را پنهان کند. تاریخ، خون بی‌گناهان را فراموش نخواهد کرد و وجدان ملت‌ها درباره این جنایت‌ها قضاوت خواهد کرد.

از بررسی کلی واکنش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که ایران از استراتژی پاسخ چندلایه استفاده کرده است:

۱. **در لایه دیپلماتیک:** آمریکا را مجرم بین‌المللی معرفی کرد. ۲. **در لایه نظامی:** آمریکا را ناتوان در غافلگیری نشان داد. ۳. **در لایه اجتماعی:** مردم متحد را با قرار گرفتن زیر پرچم ایران علیه جنایت‌های آمریکا هم‌صدا شده‌اند. هماهنگی میان این سه سطح از واکنش‌ها، نشان‌دهنده این است که ایران نه تنها در سطح عملیاتی (نظامی)، بلکه در سطح مدیریت پیام نیز به خوبی وارد میدان شد تا ترامپ و کابینه او با توثیق‌هایشان – آن هم در قالب جنگ رسانه‌ای – اساس پیروزی نکنند. به عبارتی واکنش مسئولان به گونه‌ای بود که هزینه سیاسی این حمله را برای آمریکا بالا برد و همزمان، بازگوکننده اقتدار و توانایی ایران در برخورد با هرگونه تهدید و تهاجمی بود.

زندگی در بین آنهاست. مراسم عروسی را هدف قرار می‌دهند تا جریان زندگی را مختل کنند و مردم را ناامید سازند. اما پاسخ مردم ما به این جنایت‌ها، مقاومت بیشتر و حضور پررنگ‌تر در صحنه‌های دفاع از ایران و اسلام و پاسخ نیروهای مسلح ما، تنبیه سخت‌تر دشمنان متجاوز خواهد بود که نمونه‌ای از این گوشمالی را بلافاصله پس از این جنایت چشیدند. ■ **سید عبدالکریم هاشمی‌نخل‌ابراهیمی،** نماینده مردم میناب، رودان، جاسک، سیریک در گفت‌وگویی، روایتی از حادثه تلخ سه شنبه در حوزه انتخاباتی‌اش ارائه کرد و با بیان اینکه مراسم عروسی در شهر کوهرست معمولاً به صورت سنتی در خانه‌ها برگزار می‌شود، خانه‌های این منطقه معمولاً بزرگ هستند و آنجا جمعیت زیادی حضور دارند، اظهار کرد، این تهاجم زمانی رخ داد که مراسم عقد به پایان رسیده بود و مهمانان در حال صرف شام بودند. در اثر این حمله علاوه بر شهادت چهار نفر، تعداد زیادی هم مجروح شدند و تعدادی هم حال خوبی ندارند و در بخش‌های مختلف بیمارستان میناب بستری هستند. پس از اتفاق دشب رعب و وحشت شدیدی در آن خانه و خانه‌های اطراف به وجود آمد. به هر حال ترکش‌های این به اصطلاح پرتابه، خانه‌های اطرف را مورد اصابت قرار داد. وی به این نکته نیز اشاره کرد که متأسفانه مجامع بین‌المللی در اختیار گروه خاصی از کشورهاست. آمریکا و کشورهای وابسته به آن چون انگلیس، فرانسه و آلمان که عمدتاً پایه‌گذار شورای امنیت و سازمان ملل هستند دنبال سلطه‌گری بردنیا و بهره‌گیری از منافع اقتصادی و سیاسی دنیا به نفع خودشان هستند. در این باره دنیا اگر می‌خواهد روی ثبات و آرامش را ببیند باید در خصوص سوگیری این مجامع بین‌المللی و نفع کشورهای سلطه‌گرا اقدام عاجلی انجام دهد.

■ **زهرایپورزاد،** معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در حساب کاربری‌اش در مجازی نوشت، دشمن آمریکایی با حمله وحشیانه به مراسم عروسی در سیریک، چهار جان

هستیم هرگونه تحرکی از سوی دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران را با صلابت پاسخ دهیم. با رصد و شناسایی دقیق، هر جا دشمن تلاش‌هایی انجام داده و اقداماتی را علیه کشور دنبال کرده است، پاسخ متناسب و قاطع دریافت کرده است.

■ **حسن قشقایی،** سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی کنایه‌ای به آمریکایی‌ها زد و گفت، رژیمی که مدعی است با پوشش ماهواره‌ای حرکت کوچک‌ترین جبینده روی زمین را به دقت رصد می‌کند، چگونه تفاوت اهداف نظامی با مدرسه و مجلس عروسی را تشخیص نمی‌دهد؟! دهه‌هاست که بر سر مردم بی‌دفاع بمب و موشک می‌ریزند و توجیه جنایات‌شان را به کمیته‌های حقیقت‌یاب می‌سپارند.

■ **فاطمه مهاجرانی،** سخنگوی دولت عصر چهارشنبه در گفت‌وگویی با یک رسانه دولتی گفت، این نخستین بار نیست که آمریکا حملاتی علیه غیرنظامیان انجام می‌دهد. قطعا قوای نظامی به این اقدامات پاسخ مناسب داده و خواهند داد و شاهد احقاق حقوق ملت ایران در این زمینه خواهیم بود.

■ **اسماعیل بقایی،** سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بعد از ظهر چهارشنبه ۱۱ شهریور، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت، حقیقت در مورد این جنگ انتخابی و چهره واقعی جنایت جنگی، در تصاویر تولید شده توسط هوش مصنوعی که مقام‌های آمریکایی را در قالب قهرمانان پیروزمند نمایش می‌دهد نیست، بلکه در سیریک است، جایی که آمریکا در تلاش مذبحانه برای پوشاندن لاپوشانی شکست خود، یک مراسم عروسی را بی‌رحمانه بمباران کرد.

■ **علی نیکزاد،** نایب رئیس مجلس که روز گذشته در صحن ویناری مجلس سخن می‌گفت، حمله به یک مراسم عروسی در کوهرست سیریک را در استمرار جنایت‌های آنها در میناب و لامرد برشمرد و افزود، این جنایت به جهانیان نشان می‌دهد دشمنی آمریکا ی جنایتکار با مقاومت مردم ایران و جاری بودن



یادآوری جنایت آمریکا در میناب و لامرد، در متنی به زبان انگلیسی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس آورده است؛ مدرسه میناب؛ کودکان قتل‌عام شدند. سالن ورزشی لامرد؛ بچه‌ها سلاخی شدند. عروسی کوهرست؛ کودکان همراه با خانواده‌های‌شان کشته شدند. قالیباغ با بیان اینکه اگر قدرتی مثل شیطان عمل کند، مثل شیطان هدف انتخاب کند و مثل شیطان بکشد، آن قدرت شیطان است، تصریح کرد، اگر همان قدرت، شیطان کوچک‌تری را که دقیقاً همین کارها را می‌کند حمایت و سیر کند، آن وقت خودش «شیطان بزرگ» است.

■ **سرلشکر مصطفی ایزدی،** جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عصر روز گذشته در جمع خبرنگاران در حاشیه مراسم تکریم و معارفه فرمانده جدید سپاه امیر رضا (ع) که در تالار قدس حرم مطهر رضوی برگزار شد با تأکید بر آمادگی نیروهای مسلح برای مقابله با تهدیدات دشمن، گفت، آماده

عملیات تروپرستی آمریکا در سیریک فقط با پاسخ نیروهای مسلح در میدان رویه رو نشد؛ مسئولان کشوری، لشکری و شخصیت‌های سیاسی هم دست به کار شدند و ضمن حضور پررنگ در میدان شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای، مواضع مهم و قابل توجهی اتخاذ کردند که قابل تبیین و بررسی است. به هر حال، آنچه از سوی کارگزاران نظام بیان شد برگرفته از سه ضلع «همدلی با قربانیان»، «اعلام اقتدار نظامی» و «رسوا شدن آمریکا» است.

■ **سردار سرلشکر محسن رضایی،** نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت، با این دست و پا زدن‌ها، نه تنها از قعر جهنمی که برای خود ساخته‌اید بیرون نخواهید آمد، بلکه به زودی خواهید دید راهبر جدید ایران در میدان جنگ، دیپلماسی و مقابله با محاصره اقتصادی، بنیان‌تان را درهم خواهد شکست.

■ **محمدباقر قالیباف،** رئیس مجلس شورای اسلامی با



پرونده ویژه



حسین انجندانی پژوهشگر و آگاه مسائل اندیشه‌ای

در ادبیات سیاسی، «انسجام اجتماعی» غالباً به عنوان یک وضعیت مطلوب یا دستاوردی فرهنگی نگریسته می‌شود، اما دراندیشه راهبردی مقام رهبری، امام سیدمجتبی خامنه‌ای، این مفهوم از یک «ارزش اجتماعی» به یک «ضرورت امنیتی» ارتقا یافته است. صراحت و قاطعیتی ایشان در پیام هفته دولت با عبارت «ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است». درواقع ترسیم یک «خط قرمز استراتژیک» است. انتخاب واژه «ممنوع» به جای «توصیه» یا «تاکید»، نشان از آن دارد که در شرایط حساس کنونی، هرگونه اقدام علیه همبستگی ملی، دیگر یک خطای رفتاری یا یک نظر متفاوت نیست، بلکه یک «تخلف امنیتی» و تسهیل‌گری برای دشمن در میدان جنگ ترکیبی است. درواقع، در لحظه‌ای که کشور درگیر نبردی تمام عیار با استکبار است، انسجام اجتماعی، تنها لایه دفاعی است که نمی‌تواند توسط موشک‌ها یا تحریم‌ها تخریب شود. مگر از درون.

برای درک ابعاد این ممنوعیت، باید مرز میان «نقد سازنده» و «تخریب انسجام» را بازشناسی کرد. نقد، ابزاری برای کارآمدی و اصلاح است؛ اما هرگاه نقد از مسیر «اصلاح» خارج شده و به «دوگانه‌سازی‌های موهوم» و «روایت‌ضعف» تبدیل شود، درواقع در حال تخریب همان دیواری است که ملت را در برابر طوفان دشمن حفظ کرده است. درواقع، هرروایتی که به جای «قدرت و قوت»، «نا توانایی و یأس» را در ذهن جامعه نهادینه کند، در حال تخریب «سرمایه اجتماعی» است؛ سرمایه‌ای که رهبر شهید اعلی‌الله مقامه آن را پست‌راصلی تحقق انسجام و پیش‌ران کارآمدی حکمرانی می‌دانستند. ممنوعیت هر آنچه به ضرر انسجام باشد، یعنی ممنوعیت هرگونه کنشی که منجر به «فرسایش اعتماد» و «ایجاد گسست» در بدنه ملت مبعوث شود.

درمنظومه فکری رهبر شهید اعلی‌الله مقامه، انسجام اجتماعی نه یک هم‌راستایی ظاهری و سکوت اجباری، بلکه تکیه بر «اصل مشترک» در عین پذیرش «تکثر نظرات» است. اما این انسجام، در گرو یک پیش شرط حیاتی است؛ «کارآمدی حکمرانی». هرگاه جامع‌های اجزایی در حل مشکلات ملموس مردم ناکام بمانند، شکاف‌های اجتماعی عمیق تر شده و زمینه نفوذ دشمن مهیا می‌شود. بنابراین، انسجام اجتما‌عی تنها با «روایت» حاصل نمی‌شود، بلکه باید با «عمل کارآمد» پشتیبانی

تبیین «ممنوعیت» در اندیشه رهبری دژاستراتژیک در برابر جنگ ترکیبی

شود تا اعتماد عمومی، که هسته سخت انسجام است، بازسازی شود. کارآمدی در حکمرانی، «درواقع همان «زبان افتاعی» است که می‌تواند شکاف‌های طبقاتی و نسلی را ترمیم کند و ملت را در یک جبهه واحد قرار دهد.

بزرگ‌ترین آفت‌های امروز، همان «دوگانه‌سازی‌های ساختگی» است که سعی دارد میان اجزای ملت، گسست ایجاد کند. این قطبی شدن هنجارها، دقیقاً همان نقطه‌ای است که دشمن از آن برای نفوذ استفاده می‌کند. تجربه جنگ ۱۲ روزه به ما آموخت که دشمن، بیش ازآنکه به دنبال تخریب کالبدی باشد، به دنبال «سقوط روانی» و «ایجاد یأس» است. سخن نا امیدکننده در این شرایط، نه یک تحلیل واقع‌بینانه، بلکه یک «سلاح تخریبی» است که تاب‌آوری ملی را کاهش داده و قدرت بازدارندگی را از درون می‌تراشد. هرگاه یک نخچه یا رسانه، به جای روایت «امکانات و قوت»، روایت «ضعف و ناتوانی» را پیش بگیرد، درواقع در حال کمک به دشمن برای تخریب روحیه جنگندگی ملت است.

پیامدهای خدشه در انسجام اجتماعی، در سطوح مختلف، ویرانگر است. در سطح ملی، این گسست منجر به تضعیف بازدارندگی می‌شود؛ چرا که ملتی که نتوانایی‌های خود را نبیند و دچار «تحقیر درونی» شود، به تعبیر رهبری، آماده تسلیم در برابر دشمن خواهد بود. در سطح اجتماعی، این وضعیت به گسترش بی‌اعتمادی و تشدید شکاف‌های نسلی و طبقاتی می‌انجام که در نهایت، هزینه‌های مدیریت اجتماعی را به شدت افزایش داده و مشروعیت کارآمدی نظام را به چالش می‌کشد. در سطح حکمرانی نیز، فقدان انسجام با عث می‌شود تصمیمات استراتژیک در لایه‌های پایین به دلیل بی‌اعتمادی اجرا نشوند و کشور در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیر شود. بنابراین، «روایت قدرت» که آقای شهید ایران بر آن تأکید داشتند، نه یک توهم خوش بینانه، بلکه یک «تکلیف ملی» است. ما باید بتوانیم قدرت و امکانات فراوان کشور را به گونه‌ای روایت کنیم که هر فردی در جامعه، از هر طبقه و طبقه‌ای، خود را بخشی از این قدرت بداند. روایت قدرت یعنی تبدیل «توانمندی‌های پنهان» به «اعتماد عمومی».

لذا انسجام اجتماعی در اندیشه رهبری شهید و رهبری جدید، یک «دژ دفاعی» است. اگر این دژ تخریب شود، هیچ تجهیزاتی نمی‌تواند جلوی نفوذ دشمن را بگیرد. هر مسئولی، هر رسانه‌ای و هر نخبه‌ای که در مسیر این انسجام گامی بردارد یا از تخریب آن جلوگیری کند، درواقع در حال دفاع از «حریم امن ملی» است.

ما باید بدانیم که در میدان نبرد امروز، «اتحاد» تنها جایگزین «سقوط» است و هرگونه اقدام علیه این پیوند، خیانتی به آینده ملت و آران‌های ولایت است. مسیر آینده، در گرو آن است که «روایت قوت» با «کارآمدی در عمل» گره بخورد تا انسجام اجتماعی، از یک ادعای سیاسی به یک واقعیت سخت و نفوذناپذیر تبدیل شود.

قطع برق نباید منجر به قطع آب شود

علی‌آبادی، وزیر نیرو؛

سجاد میرزایی آگاه مسائل اندیشه

«جمهوری اسلامی ایران» دقیقاً با همین ترکیب بدون کم و زیاد، این کلمه‌ای است که خون‌های فراوانی پای آن رفته و هزینه‌های فراوانی بابتش داده شده است؛ به زبان ساده یعنی در قلمروی ایران حکومتی اسلامی بر سر کار است که بار آن بر دوش همگان است. بنابراین از جمله لوازم تحمل این بار امانت این است که اعضای این جامعه نسبتی با هم داشته باشند که اام را حول آن تعبیر به وحدت کلمه، امام شهید از آن تعبیر به اتحاد مقدس و امام رشید از آن تعبیر به انسجام اجتماعی کرده است. در اینجا نگرشی داریم به جایگاه و لوازم انسجام اجتماعی.

محوریت انقلاب و نظام به جای محوریت اشخاص

تک تک اشخاص و گروه‌ها باید در خدمت انقلاب و نظام باشند و بسیاری هم کم یا زیاد چنین هستند. اما اینکه بپاییم از بهر فرد محبوب خودمان یا گروه متبوع خودمان وارد مجادلات بی‌پایان و بی‌ثمری بشویم، از آن موارد مورد نهی است که نه تنها کمکی به حل مشکلات نمی‌کند بلکه مشکلات را بیشتر می‌کند.

نقد به جای نق

انتقاد ناظر است به مشاهده فاصله میان وضعیت موجود و مطلوب و بیان راهکار برای بهتر شدن وضعیت.نه اینکه تبدیل به وسیله‌ای برای اهداف شخصی یا گروهی بشود. روایت فقهی که شهید سید مرتضی آوینی از دفاع مقدس اول ارائه می‌داد هم پیروزی‌ها را می‌گفت هم شکست‌ها را اما برآیند و خروجی‌اش همان روایت فتح شد و ما برای موضوعات مختلف به چنین روایتی نیاز داریم. ضمن اینکه شاید همه چیز را تقلیل به مطالبه حتی از نوع صحیحش داد و بایستی نقدی که توان و ظرفیت و دسترسی داریم را استفاده کنیم برای حل مسائل کشور ولو بیضاعه مزاجه. هم دفاع و هم نقد باید بر اساس اشراف اطلاعاتی و داده‌ای باشد و بایستی دچار موضع‌گیری به غیر علم نشویم.

تقوای سیاسی

در کسب خبر باید به منابع معتبر و قابل اعتماد رجوع کنیم و اخبار را راستی آزمایی کنیم و بعد بنیای تحلیل قرار بدسیم و با وجود همین منابع لاقال در اکثریت موارد نیازی به دسترسی‌های محرمانه یا ادعای داشتن چنین دسترسی‌هایی نیست. از جمله ویژگی‌های رهبر شهید و رئیس جمهور شهید این بود که حفاظت اطلاعات بالایی داشتند و در مواجهه با افکار عمومی با هیچ دلیل ناموجه و حتی موجهی دست به بیان اطلاعات محرمانه نمی‌زدند و هر چه از این مباحث بود موقوف به



نگرشی به جایگاه و لوازم انسجام اجتماعی در اندیشه رهبران انقلاب

از اتحاد مقدس تا انسجام اجتماعی

جلسات کارشناسی و تخصصی بود. لذاست که باید سعه صدر بالایی داشته باشیم تا از لغزش در فضای سیاسی و خبری پیشگیری کنیم.

تجربه داخلی و خارجی

تجربه کشورهای دیگر مثل عراق، سوریه، لیبی، لبنان و... نشان می‌دهد بدون انسجام اجتماعی کشور یا فرو می‌پاشد یا خیلی آسیب می‌بیند. فتنه‌های داخل کشورمان از ۷۸ و ۸۸ و ۹۶ تا ۹۸ و ۴۰۱ و ۴۰۴ هم نشان داد که دشمن همواره به زخم‌های اجتماعی و سیاسی درون ما طمع دارد و در مسیر پیشرفت و تعالی کشور ایجاد مانع می‌کند.

امتناع حکمرانی بدون مردم

اهمیت انسجام اجتماعی خودش را جایی نشان می‌دهد که بدانیم حکمرانی محفلی یا نخبه سالارانه با وجود جذابیت اولیه اما در اغلب موارد یا شکست می‌خورد یا از مسیرش منحرف می‌شود. به عبارتی حکومت برای پیشبرد سیاست‌هایش نیاز به همراه کردن عموم جامعه دارد و بنابراین است که امری به نام انتخابات حذف نشدنی است و به جای تدبیر برای حذف انتخابات باید سراغ راهکارهایی برای حفظ و گسترش انسجام اجتماعی رفت. شاید از جمله دلایل حمله دشمن به کشور ما کاهش مشارکت در انتخابات بود که دلایش را باید در آسیب دیدن انسجام اجتماعی ناشی از هم‌زمان شدن توطئه‌های خارجی و ناکارآمدی‌های داخلی دانست. ناکارآمدی‌هایی برخاسته از جدی نگرفتن سیاست‌های رهبری و الثفات نکردن به انسجام اجتماعی.

طرح امام برای انسجام

امام سیدمجتبی خامنه‌ای در شرایطی سکان رهبری ایران را در دست گرفت که رهبرو فرمانده کل قوا به شهادت رسید-که تا ایشان زنده بود افکاری برای بعد از ایشان متصور نبود- و در چنین شرایطی تبدیل به محور انسجام در کشور شد. در شرایط جاری کشور که گاهی جنگی و گاهی نیمه جنگی است و به جهت اقدامات لازم برای مواجهه با دشمن در مراحل حساس از نبرد تمدنی-ولو جنگ فعلی روزی به پایان برسد و تسلیم آمریکا اعلام بشود- بستر مناسب برای هرگونه اصلاح در امور را انسجام اجتماعی تشخیص داده و اموری از قبیل دوگانه‌سازی‌های کاذب و بی‌اخلاقی‌های سیاسی و رسانه‌ای را از طرف هر مستول یا فعال و... که باشد جایز نمی‌داند. لذاست که هرکسی در این چارچوب دچار خطب یا خطایی شد مجوزی برای خطب یا خطای ما نیست و ما باید بتوانیم وظایف‌مان برای تحقق طرح امام جامعه را چه در زیربنای جامعه چه در روبنای آن پیگیری کنیم. افق نگاه‌مان را باز کنیم و به فکر دولت و جامعه و تمدن اسلامی باشیم.



بازخوانی منطق راهبردی انسجام ملی

از «توصیه اخلاقی» تا «حکم حکومتی»

انسجام، هرگز نباید دست‌و‌پزیری برای توجیه ناکارآمدی، فرار از پاسخگویی یا بستن دهان منتقدان دلسوز تلقی شوت. نقد منصفانه و نظارت نخبگانی، با تمرکز بر کاستی‌های اجرایی و ارائه راهکارهای علمی، موجب پالایش نظام و تقویت پایه‌های انسجام است. آنچه در کلام رهبری صراحت در دایره قرار گرفته، ایجاد دوقطبی‌های کاذب و بی‌بست نمایی روانی در افکار عمومی است. تقابل‌های بر ساخته‌ای چون «جنگ با مذاکره»، «وفاق با تندروی» و «سازش با جنگ طلبی»، نمونه‌های بارز این دوگانه‌های خسارت بار هستند که پیش از این نیز هزینه‌های سنگینی برملت تحمیل کرده‌اند. این قبیل برجسب‌زنی‌ها، جامعه را به اردوگاه‌های متعارض بدل ساخته و با کور کردن تفکر عقلانی، میدان را برای سوء استفاده سرویس‌های محاسباتی جبهه آمریکایی- صهیونیستی مهیا می‌کند؛ دشمنی که نیاز به روحیه دارد و همواره در پی فعال‌سازی تفاوت‌های طبیعی و تبدیل آنها به تنازع می‌باشد یا زنده می‌دوهد است. پیوند وثیق این راهبرد با مسئله «روایت قدرت و اقتدار ملی» از دیگر ارکان برجسته منظومه فکری رهبری است. ناامیدی و احساس بی‌آیندگی، بستر اصلی تفرقه و رخوت عمومی است و ملتی که باور به ذخایر هویتی، توان دفاعی و پیشرفت‌های خود را از دست بدهد، در مواجهه با فشارهای بیرونی دچار شکست درونی خواهد شد. اتاق‌های فکر استکبار جهانی، همواره با سانسور موفقیت‌ها و پیم‌ها خط یأس، می‌کوشند ملت ایران را جامعه‌ای در بی‌بست تصویر کنند؛ از این رو رسانه‌ها و تربیون‌دارانی که دانسته یا نادانسته بر این طبل می‌کوبند، در حقیقت خاک‌بریزهای امنیت ملی را هدف قرار می‌دهند. صیانت از روحیه ملی و تبیین واقعیت‌های دیرپوده است. بایست هوش مفهومی، دلالت بر این دارد

ایستادگی ملت شهیدپرور ایران است. برای عبور از مرحله تبیین نظری و استقرار عینی این فرمان، اتخاذ تدابیر ساختاری و ملموس ضرورت دارد. در گام نخست، دستگاه‌های حاکمیتی و قوه مجریه موظفند با ایجاد کارگروه‌های تخصصی، وجود پیوست ارزیابی پیامدهای انسجام را در کلیه سیاست‌گذاری‌های کلان، طرح‌های اقتصادی و اقدامات اجتماعی الزامی کنند تا هیچ تصمیمی با منافع مقطعی اما تبعات شکاف‌افکن تصویب نشود. در گام بعد، صداوسیما، مطبوعات و تربیون‌های عمومی باید با بازآفرینی اخلاق رسانه‌ای، مرز تضارب آرا را از نزاع‌های فرمایشی جدا ساخته و از بازتولید قطب‌بندی‌های کاذب اجتناب ورزند. در افق نهایی نیز همان‌گونه که در پیام هفته وحدت حضرت امام سیدمجتبی خامنه‌ای ترسیم شد، دستیابی به تمدن نوین اسلامی مستلزم تحقق متوالی سه گام تمدنی است: تحکیم برادری و نفی تنازع، هم‌افزایی همه جانبه در عرصه‌های علمی و اقتصادی و دفاع متقابل و سد خلل‌ناپذیر در برابر استکبار. انسجام اجتماعی عاثر تمریفاتی نیست، بلکه شاهرگ بازدارندگی کشور و رکن رکن عزت، کارآمدی و سربلندی آینده ایران است.

مرز نقد مسئولانه و فرسایش اجتماعی ممنوعیت اقدام علیه انسجام

بیان ضعف‌ها در شرایطی که دشمن به روحیه جامعه نیاز دارد، اگر بدون توجه به قوت‌ها باشد، می‌تواند به نگرانی و تحیر دوستان و همراهان منجر شود. در مقابل، قوت و قدرت و نقاط مثبت نیازمند روایت و برجسته‌سازی است. پس روایت مطلوب نه انکار ضعف است و نه اغراق در قوت، بلکه ارائه تصویری کامل از واقعیت است تصویری که در آن مشکل دیده می‌شود، اما توان حل مشکل نیز دیده می‌شود. از همین جا می‌توان دلیل تأکید پیام بر انسجام اجتماعی را فهم کرد. جامعه برای حل مسائل بزرگ، به یک حداقل از اعتماد و همبستگی نیاز دارد. اگر هر اختلاف سیاسی به دشمنی هویتی تبدیل شود و هر مسئله مدیریتتی به نشانه فروپاشی کلان تعبیر شود، انرژی جامعه به جای حل مسائل، صرف منازعات فرسایشی خواهد شد. به همین دلیل است که رهبر انقلاب از دوگانه‌سازی‌هایی همچون جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی و سازش یا جنگ طلبی به عنوان دوگانه‌های موهوم یاد می‌کنند زیرا این دوگانه‌ها مسائلی پیچیده را به انتخاب‌های صفر و یکی تقلیل می‌دهند و جامعه را به ص‌ف‌بندی‌های متقابل سوق می‌دهند.

از این منظر، ممنوعیت اقدام علیه انسجام را باید ناظر به پیامد اجتماعی کنش دانست، نه صرفاً عنوان یا ادعای کنشگر. ممکن است سخنی با عنوان نقد بیان شود اما در عمل نتیجه آن تحقیر تان ملی، تولید ناامیدی یا تشدید نفرت اجتماعی باشد همان‌گونه‌که ممکن است نقدی نباشد اما چون مستند، دقیق و معطوف به اصلاح است، به ارتقای کیفیت حکمرانی کمک کند. معیار، حذف اختلاف نیست معیار، جلوگیری از تبدیل اختلاف به فرسایش سرمایه مشترک جامعه است. البته این قاعده فقط متوجه رسانه یا فعال سیاسی نیست. خود پیام، پیش از ورود به بحث انسجام، دولت و مسئولان را در برابر مجموعه‌ای از مسائل واقعی قرار می‌دهد: تورم، بیکاری، مدیریت قیمت‌ها، رشد، سرمایه‌گذاری، تولید و اقتصاد مقاومتی. بنابراین حفظ انسجام اجتماعی نمی‌تواند با نادیده گرفتن مشکلات مردم محقق شود کارآمدی حکمرانی بخشی از تولید انسجام است جامعه‌ای که مسئله‌اش دیده و برای آن اقدام می‌شود، ظرفیت بیشتری برای اعتماد و همراهی خواهد داشت.

در نهایت، ممنوعیت مورد تأکید رهبر انقلاب را باید یک مرز روشن برای کنش عمومی دانست؛ اختلاف مجاز است، نقد لازم است، مطالبه‌گری ضروری است اما فرسایش انسجام اجتماعی قابل قبول نیست. ضعف باید شناخته شود تا اصلاح شود، قوت باید دیده شود تا تقویت شود و اختلاف باید مدیریت شود تا به گسست تبدیل نشود.

این همان منطق است که اجزای این بخش از پیام را به هم پیوند می‌دهد: روایت قدرت برای انکار ضعف نیست، نقد برای تخریب نیست و انسجام برای حذف اختلاف نیست. همه اینها باید در خدمت یک هدف بالاتر قرار گیرند، حفظ توان جامعه برای حل مسائل و افزایش قدرت ملی.



سعید سپاهی آگاه مسائل سیاسی

درپيام رهبر انقلاب به مناسبت هفته دولت، عبارتی وجود دارد که در ظاهر کوتاه است اما از نظر راهبردی دامنه‌ای فراتر از یک توصیه اخلاقی یا سیاسی دارد: ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.

فهم دقیق این گزاره، بدون توجه به جمله‌های پیش و پس از آن ممکن نیست. مسئله اصلی در این بخش از پیام، نه پایان دادن به اختلاف نظرها و نه تعطیل کردن نقد، بلکه جلوگیری از تبدیل اختلافات طبیعی جامعه به عاملی برای فرسایش اعتماد، امید و توان جمعی کشور است.

نکته نخست در واژه ممنوع نهفته است. اگر انسجام اجتماعی صرفاً یک فضیلت اخلاقی بود، تأکید بر آن می‌توانست در حد توصیه باقی بماند اما رهبر انقلاب آن را به سطح یک الزام ارتقا می‌دهند. علت این ارتقا نیز در ادامه پیام روشن می‌شود: هر اقدام در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی باید با ملاحظه پیوست مربوط به انسجام اجتماعی صورت گیرد. به بیان دیگر، انسجام اجتماعی در این نگاه یک موضوع فرعی در کنار سایر مسائل کشور نیست؛ معیاری است که

باید در ارزیابی پیامدهای اقدامات مختلف حضور داشته باشد. اما این الزام به معنا ممنوعیت نقد نیست. اتفاقاً خود پیام میان ضعف و نحوه مواجهه با ضعف تفکیک می‌کند. رهبر انقلاب تصریح دارند که ضعف، نقص نشانه‌ای برای اثبات ناتوانی مطلق کشور، تبدیل شود، کارکرد آن تغییر می‌کند. در این حالت، دیگر مسئله فقط چه گفته شده نیست بلکه باید پرسید این روایت چه تصویری از جامعه و توان آن برای مخاطب می‌سازد؟

رهبر انقلاب دقیقاً نسبت به همین پیامد هشدار می‌دهند. ایشان می‌فرمایند



سیمایی صراف، وزیر علوم؛

کلاس‌های دانشگاه‌های جنوب حضورِ برگزار می‌شود

پنج‌شنبه/ ۱۲ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۲۸



پرونده ویژه

انسجام اجتماعی؛ دیواری که از درون ساخته می‌شود

دیوار دفاعی

پس از اگر قرار است «پیوست انسجام اجتماعی» جدی گرفته شود، باید از دولت و دستگاه‌های حاکمیتی شروع شود. تصمیمی که زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید پیش از اجرا پیامد اجتماعی آن سنجیده شود؛ رسانه باید واقعیت را روایت کند، نه اینکه از رنج مردم برای دوقطبی‌سازی استفاده کند؛ نخبگان باید به جای تشدید اختلاف، راه گفت‌وگو را باز نگه دارند و مردم نیز در برابر شایعه، نفرت‌پرانی و روایت‌های تحریف‌شده مسئولانه رفتار کنند.

تجربه جنگ ۱۲ روزه نیز یک واقعیت مهم را نشان داد؛ دشمن فقط به دنبال ضربه به زیرساخت‌ها نیست؛ شکاف‌های اجتماعی برای او به اندازه اهداف نظامی اهمیت دارند. هر جامعه‌ای که در درون خود متفرق شود، بخشی از توان دفاعی و قدرت تصمیم‌گیری‌اش را بیشاپیش از دست داده است. در مقابل، جامعه‌ای که با وجود اختلا سلبقه، بر سر منافع ملی و تمامیت کشور اشترک نظر دارد، برای دشمن بسیار دشوارتر قابل شکست است.

این نگاه در بازخوانی اندیشه رهبر شهید نیز قابل مشاهده است؛ جایی که سرمایه اجتماعی، اعتماد مردم و حضور آنان صرفاً پشتوانه سیاسی تلقی نمی‌شد، بلکه بخشی از پایه‌های حکمرانی و قدرت ملی بود. حضور گسترده مردم پس از شهادت ایشان نیز نشان داد که سرمایه اجتماعی، اگر ریشه در اعتماد و پیوند واقعی مردم با کشور داشته باشد، در بزنگاه‌های سخت می‌تواند خود را به عنوان یک قدرت واقعی نشان دهد. بنابراین، خدشه به انسجام اجتماعی فقط به معنای چند دعوی سیاسی یا چند هشتگ تند در فضای مجازی نیست. نتیجه آن می‌تواند کاهش اعتماد عمومی، تشدید شکاف‌های نسلی و طبقاتی، افزایش تعارضات اجتماعی، کاهش تاب‌آوری در برابر فشار خارجی و فراهم شدن زمینه نفوذ در جنگ ترکیبی باشد. در سطح حکمرانی نیز جامعه بی‌اعتماد، تصمیم‌های درست را هم با تردید می‌پذیرد و بحران‌ها هزینه بیشتری پیدا می‌کنند.

شاید مهم‌ترین پیام این هشدار همین باشد؛ حریم امن ملی فقط پشت مرزها و دریاگان‌ها ساخته نمی‌شود؛ بخشی از آن در دل جامعه ساخته می‌شود. اگر مردم به آینده کشور امیدوار باشند، اگر مسئولان کارآمد و پاسخگو باشند، اگر نقد جای خود را به نفرت ندهد و اختلاف نظر به دشمنی تبدیل نشود، آنگاه انسجام اجتماعی از یک شعار به یک قدرت ملی تبدیل خواهد شد.

ایران برای قوی ماندن، بیش از هر چیز به مردمی نیاز دارد که با وجود تفاوت‌ها، هنوز خود را در سرنوشت یکدیگر شریک بدانند. حفظ همین «ها هم بودن»، شاید امروز مهم‌ترین مصداق امنیت ملی باشد.



واکاوی معناشناختی «ممنوعیت» اخلاล در انسجام اجتماعی

مرز میان نقد و تخریب

باشد، نقد از ماهیت اصلاحی خود تهی شده و به ابزاری برای «جنگ ترکیبی» بدل می‌شود.

رهبری با تأکید بر «روایت قدرت و قوت ایران»، در واقع در حال بازتعریف «اخلاق رسانه» و «مسئولیت نخبگان» هستند. ایشان بر این باورند که در شرایطی که دشمن، جنگ خود را از میدان‌های نظامی به میدان «روان‌شناسی جمعی» منتقل کرده است، هر سخن ناامیدکننده‌ای، نه یک اظهارنظر ساده، بلکه یک «تیر کور» به پیکره انسجام ملی است. وقتی نخبگان و فعالان فرهنگی، به جای تبیین مسیرهای حل بحران، تنها به بازتولید روایت‌های «شکست‌خورده» و «بی‌ثمر» بپردازند، در واقع مرز ممنوعه، پشت سر گذاشته‌اند. این همان جایی است که «آزادی بیان» از فریضه روشنگری به ابزار «ضعیف‌اراده» تبدیل می‌شود.

در این میان، مفهوم «دوگانه‌سازی‌های موهوم» کلید درک این ممنوعیت است. دشمن همواره می‌کوشد میان «مردم و نظام»، میان «حق و باطل» یا میان «موفقیت و شکست» گسست ایجاد کند. رهبری با هوشیاری راهبردی، هشدار می‌دهد که هرگونه کنش رسانه‌ای یا سیاسی که هدفش اصلی، ایجاد این شکاف‌ها و تبدیل «تعدد آراء» به «تضاد‌های بنیادین» باشد، در زمره اقدامات ممنوعه قرار می‌گیرد.

بنابراین، این ممنوعیت، نه برای خفه کردن صداهای مخالف، بلکه برای «حفاظت از فضای نقد» است. چرا که بدون انسجام اجتماعی، نقد نیز به یک بازی بی‌معادر میانه‌ویرانه‌ها تبدیل می‌شود. انسجام، ظرفی است که نقد سازنده در آن جریان می‌یابد؛ اگر ظرف بشکند، نقد نیز به تضعیف کل سیستم می‌انجامد. در نهایت، باید دانست که «روایت قدرت» که رهبری بر آن تأکید دارند، به معنای کتمان واقعیت‌ها نیست؛ بلکه به معنای نگاه واقع‌بینانه اما مبتنی بر توانمندی است. ما باید از مشکلات سخن بگوییم، اما نه به گونه‌ای که «راهکار» را در تاریکی مطلق ببینیم. ما باید ضعف‌ها را نقد کنیم، اما نه به گونه‌ای که «اراده برتری» را در خود و ملت از دست بدهیم. این دقیقاً همان مرزی است که رهبری با واژه «ممنوع»، برای محافظت از حریم امنیت ملی و بقای عزت ملی ترسیم کرده‌اند.

فاطمه حسین پور
آگاه مسائل سیاسی

گاهی یک جمله، بیش از ده‌ها صفحه تحلیل حرف برای گفتن دارد. وقتی رهبر انقلاب در پیام اخیر خود به مناسبت هفته دولت با صراحت اعلام می‌کنند، «ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است»، این جمله را نباید در حد یک توصیه اخلاقی یا دعوت معمول به وحدت دید. واژه «ممنوع» نشان می‌دهد مسئله، از جنس سلیقه و توصیه نیست؛ پای یک ضرورت ملی در میان است. ضرورتی که امروز، هم‌سنگ امنیت و قدرت دفاعی کشور اهمیت دارد.

اما سوال مهم این است: آیا انسجام یعنی همه مثل فکر کنند؟ آیا قرار است نقدها خاموش شوند تا جامعه یکپارچه بماند؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است. جامعه زنده، جامعه‌ای است که در آن اختلاف نظر وجود دارد؛ آنچه انسجام را تهدید می‌کند، خود اختلاف نیست، بلکه تبدیل اختلاف به دشمنی و شکاف است. نقد منصفانه، مطالبه‌گری و حتی اعتراض مسئولانه می‌تواند به اصلاح امور کمک کند؛ آنجا که نقد از مرز اصلاح عبور می‌کند و به تحقیر، نفرت‌پرانی، دو‌گانه سازی و تضعیف امید عمومی می‌رسد، دیگر نمی‌توان نام آن را صرفاً «آزادی بیان» گذاشت.

به همین دلیل، تأکید همزمان بر «روایت قدرت و قوت ایران» و پرهیز از سخنان ناامیدکننده و «دو‌گانه سازی‌های موهوم» متناذر است. در پیام اخیر، دو‌گانه‌هایی مانند «جنگ یا مذاکره»، «وفاق یا تندروی» و «سازش یا جنگ‌طلبی» به عنوان نمونه‌هایی از دو‌گانه‌سازی‌هایی مطرح شده‌اند که می‌توانند جامعه را به اردوگاه‌های متخاصم تقسیم کنند.

با این حال، یک نکته را نباید فراموش کرد: انسجام با دستور ساخته نمی‌شود، با اعتماد ساخته می‌شود. مردم زمانی کنار هم می‌ایستند که احساس کنند صدایشان شنیده می‌شود. عدالت درباره آنان اجرا می‌شود و مسئولان در میدان عمل برای حل مشکلات‌شان حضور دارند. تورم، بیکاری، فساد، تبعیض، ناکارآمدی اداری و تصمیم‌های متناقض، فقط مشکلات اقتصادی و مدیریتی نیستند؛ اگر انباشته شوند، مستقیماً سرمایه اجتماعی را فرسوده می‌کنند. از همین رو، کارآمدی حکمرانی را باید یکی از مهم‌ترین پایه‌های انسجام دانست. حتی گزارش‌های رسمی درباره سرمایه اجتماعی نیز بر پیوند اعتماد عمومی، مشارکت، عدالت و انسجام با حکمرانی کارآمد تأکید کرده‌اند.

بخشی از توان جامعه به جای تولید و همکاری، صرف مراقبت از یکدیگر می‌شود. عدالت نیز از همین مسیر وارد بحث می‌شود. نمی‌توان از انسجام حرف زد و تجربه مردم از نابرابری و بی‌عدالتی را نادیده گرفت. فرد زمانی راحت‌تر خودش را متعلق به یک جامعه می‌داند که احساس کند قواعد بازی فقط برای دیگران نوشته نشده است. اگر کسی احساس کند تلاش او دیده نمی‌شود، فرصت‌ها نابرابرند یا بعضی افراد همیشه از امتیاز بیشتری برخوردارند تعلق اجتماعی او به مرور می‌تواند ضعیف شود. اینجا انسجام دیگری مسئله فرهنگی صرف نیست با ساختارهای اجتماعی و کیفیت حکمرانی نیز ارتباط پیدا می‌کند.

هویت هم نقش خود را دارد، اما هویت را نباید فقط در مجموعه‌ای از شعارها و نمادها جست‌وجو کرد. هویت زمانی اثر واقعی پیدا می‌کند که انسان بتواند خودش را در یک داستان تاریخی ببیند. بداند چه چیزی را از گذشته دریافت کرده و قرار است چه چیزی را به بعد از خودش منتقل کند. اگر گذشته فقط مجموعه‌ای از مناسبت‌ها و اطلاعات کتاب‌های درسی باشد، بعداً است بتواند پیوند عمیقی میان نسل‌ها ایجاد کند.

این مسئله برای جوامعی که سابقه تاریخی طولانی دارند، جدی‌تر است. در چنین جوامعی افراد فقط با انسان‌های هم‌زمان خودشان زندگی نمی‌کنند بخشی از زندگی آنها تحت تأثیر تصمیم‌ها تجربه‌ها و میراث کسانی است که قرن‌ها قبل زندگی کرده‌اند. تمدن دقیقاً از همین استمرار زمانی معنا پیدا می‌کند. چیزی که یک نفر آغاز کرده دیگری ادامه داده و نفعی تغییرش داده است. اگر این رشته ارتباطی قطع شود، جامعه بخش مهمی از توان یادگیری خود را از دست می‌دهد.

از اینجا می‌توان به رابطه انسجام اجتماعی و تمدن رسید. جامعه‌ای که میان افراد آن ارتباط کافی برای همکاری وجود ندارد، نمی‌تواند به راحتی تجربه‌هایش را انباشته کند. هر گروه کار خودش را شروع می‌کند، گروه بعدی مسیر دیگری می‌رود و بسیاری از تجربه‌ها دوباره تکرار می‌شوند. تمدن اما بر انباشت بنا شده است؛ یعنی چیزی که امروز ساخته می‌شود، باید بتواند فردا مورد استفاده قرار گیرد و به شکل دیگری ادامه پیدا کند. این انباشت فقط در علم و فناوری اتفاق نمی‌افتد. در اخلاق، سیاست، هنر، آموزش، شیوه اداره جامعه و حتی در تجربه‌های مربوط به حل بحران نیز شکل می‌گیرد. جامعه‌ای که بتواند ارزشکست‌های خود یاد بگیرد، از تجربه نسل قبل استفاده کند و میان گروه‌های مختلف خود ارتباط ایجاد کند، ظرفیت بیشتری برای اصلاح دارد. انسجام در آینده به معنای حفظ وضع موجود نیست حتی می‌تواند شرایط اصلاح وضع موجود را فراهم کند. برای همین، من انسجام اجتماعی را بیشتر توان ادامه همکاری در شرایط اختلا می‌دانم. این تعریف به واقعیت جامعه نزدیک‌تر است. جامعه‌ای که فقط در شرایط عادی کنار هم است، هنوز چیزی را ثابت نکرده است. وقتی منافع گروه‌ها با هم تداخل پیدا می‌کند وقتی بحران اقتصادی یا سیاسی پیش می‌آید، وقتی نسل جدید خواسته‌های متفاوتی دارد یا وقتی یک مسئله جدی جامعه و تحت فشار قرار می‌دهد آن زمان مشخص می‌شود چه مقدار پیوند واقعی میان افراد باقی مانده است.

این بحث مرا به یک نتیجه ساده اما مهم می‌رساند؛ شاید یکی از شاخص‌های مهم قدرت تمدنی یک جامعه، نه فقط میزان دستاوردهای آن بلکه مقدار کاری باشد که افراد متفاوت آن هنوز می‌توانند یا یکدیگر انجام دهند. ممکن است درباره تاریخ، سیاست یا ارزش‌های فرهنگی اختلاف داشته باشند، اما اگر بتوانند مدرسه‌ای سازند، علمی را پیش ببرند، نهادی را حفظ کنند، مسئله‌ای عمومی را حل کنند و تجربه خود را به نسل بعد منتقل کنند هنوز امکان حرکت تاریخی وجود دارد.

در مقابل اگر هر گروه فقط با افراد شبیه خودش ارتباط داشته باشد و نسبت به بقیه احساس بیگانگی کند جامعه به مجموعه‌هایی جدا از هم تبدیل می‌شود. در این حالت حتی دستاوردهای بزرگ نیز ممکن است نتوانند به یک مسیر مشترک تبدیل شوند. هر گروه چیزی تولید می‌کند، اما چیزی که تولید شده الزاماً وارد یک تجربه مشترک نمی‌شود. شاید مسئله اصلی انسجام اجتماعی همین باشد اینکه چه چیزی انسان‌های متفاوت را قادر می‌کند، بدون اینکه تفاوت‌های‌شان را کنار بگذارند، هنوز در بعضی امور شریک یکدیگر باشند. پاسخ آن را نمی‌توان در یک عامل جست‌وجو کرد. اعتماد عدالت هویت تجربه تاریخی، نهاد‌های اجتماعی و کیفیت روابط روزمره همه در آن دخیل‌اند. ضعف هر کدام از اینها به تنهایی جامعه را فرو نمی‌ریزد، اما جمع شدن‌شان می‌تواند توان همکاری را کم کند.

ازنگاه تمدنی این گашش همکاری مسئله کوچکی نیست. تمدن زمانی تداوم پیدا می‌کند که تجربه یک نسل بتواند به مسئله نسل بعد تبدیل شود؛ دانش یک فرد در اختیار دیگران قرار گیرد و کاری که امروز آغاز شده فردا راه نشود. چنین تداومی بدون حدی از انسجام اجتماعی ممکن نیست. انسجام، خود تمدن نیست اما یکی از شرایطی است که اجازه می‌دهد یک جامعه از مجموع‌های از زندگی‌های جداگانه عبور کند و به یک تجربه تاریخی پیوسته تبدیل شود.

انسجام اجتماعی؛ مسئله‌ای پیش از تمدن

توان ادامه همکاری

جواد طلوع
آگاه مسائل اجتماعی

مدتی است در مطالعه مسائل تمدنی یک پرسش برابم جدی‌تر شده است؛ چرا بعضی جوامع با وجود اختلاف‌های فراوان، توان ادامه دادن و ساختن دارند و بعضی دیگر با وجود برخورداری از منابع و امکانات، در انجام ساده‌ترین کارهای مشترک هم دچار مشکل می‌شوند؟ پاسخ را نمی‌توان فقط در اقتصاد، سیاست یا میزان برخورداری از علم و فناوری پیدا کرد. پیش از همه اینها، کیفیت رابطه‌ای که میان انسان‌ها برقرار است اهمیت دارد. جامعه‌ای که افراش نتوانند برای یک مسئله مشترک به هم اعتماد کنند، در بلندمدت نمی‌تواند کارهای بزرگی را که نیازمند همکاری چند نسل است، پیش ببرد.

از اینجا مسئله انسجام اجتماعی برای من شکل دیگری پیدا می‌کند. انسجام را نباید مساوی با نبود اختلاف دانست. حتی در منسجم‌ترین جوامع هم اختلاف وجود دارد. مسئله این است که اختلاف تا چه اندازه می‌تواند وجود داشته باشد و همچنان امکان همکاری باقی بماند. اگر دو گروه درباره یک موضوع اختلاف داشته باشند، اما بتوانند در مدرسه، دانشگاه، محیط کار اقتصاد یا عرصه عمومی در کنار هم فعالیت کنند، اختلاف هنوز به گسست اجتماعی تبدیل نشده است. مشکل از جایی شروع می‌شود که طرف مقابل دیگر فقط مخالف نباشد و به دشمن تبدیل شود.

این تفکیک برای فهم تمدن مهم است. تمدن به همکاری‌هایی احتیاج دارد که معمولاً نتیجه آنها فوری نیست. ساختن یک نظام علمی شکل دادن به یک نهاد آموزشی، انتقال دانش یا ایجاد یک سنت فکر کاری یک روز و حتی یک نسل نیست. کسی باید امروز کاری را انجام دهد که ممکن است نتیجه اصلی آن سال‌ها بعد دیده شود. چنین کاری زمانی منطقی به نظر می‌رسد که فرد احساس کند جامعه فقط متعلق به امروز او نیست و چیزی که می‌سازد، می‌تواند به زندگی دیگران نیز برسد.

اینجا اندیشه این خلدون قابل توجه می‌شود. او در توضیح پیدایش قدرت و دولت از عصیت صحبت می‌کند؛ پیوندی که اعضای یک گروه را به حمایت از یکدیگر و اقدام جمعی قادر می‌کند. اهمیت این مفهوم برای بحث من در یک نکته است قدرت یک گروه فقط از تعداد افراد یا امکانات آن نمی‌آید. اگر افراد در موقعیت دشوار حاضر نباشند هزینه‌ای برای یکدیگر ندهند، منابع به تنهایی نمی‌توانند آنها را به یک نیروی موثر تبدیل کنند. این خلدون یک قدم جلوتر می‌رود و نشان می‌دهد همین پیوندی که گروهی را قدرتمند می‌کند، ممکن است در دوره‌های بعد ضعیف شود. رفاه و قدرت الزاماً به معنای افزایش انسجام نیستند. گاهی نتیجه معکوس دارند. وقتی بخشی از جامعه از بخش دیگری فاصله می‌گیرد و وقتی منافع فردی اهمیت بیشتری از منفعت جمعی پیدا می‌کند، وقتی افراد احساس می‌کنند دیگر سرنوشت مشترکی ندارند، آن پیوند اولیه آرام فرسوده می‌شود. ارزش این تحلیل برای امروز در این نیست که بخواهیم تاریخ را عیناً تکرار کنیم نکته این است که انسجام یک دارایی ثابت نیست که یک بار ایجاد شود و برای همیشه باقی بماند. دورگیم جامعه‌شناس فرانسوی مسئله را با مفهوم همبستگی اجتماعی توضیح می‌دهد. او معتقد بود جامعه‌های ساده بیشتر بر شباهت اعضای خود استوارند، اما با پیچیده شدن جامعه، افراد متفاوت‌تر می‌شوند و وابستگی متقابل میان آنها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. پزشک و مهندس و معلم و کشاورز لزوماً شبیه هم نیستند اما هر کدام بخشی از زندگی دیگری را همکن می‌کنند. اینجا انسجام از شبیه بودن نمی‌آید از این می‌آید که افراد با وجود تفاوت هنوز در یک شبکه مشترک قرار دارند.

این نکته را می‌توان در جامعه امروز به شکل ملموس‌تری دید. ما نمی‌توانیم از مردم انتظار داشته باشیم که درباره همه مسائل یکسان فکر کنند. حتی اگر چنین چیزی ممکن باشد معلوم نیست مطلوب باشد. مسئله مهم‌تر این است که آیا فرد متفاوت را هنوز عضوی از همان جامعه می‌دانیم یا نه. اگر اختلاف سیاسی، مذهبی، نسلی یا اقتصادی باعث شود رابطه اجتماعی میان افراد کاملاً قطع شود، جامعه از درون طغیی می‌شود. در این وضعیت، هر اتفاقی فقط از زایوه ما و آنها دیده می‌شود و امکان تصمیم‌گیری مشترک کمتر می‌شود.

اعتماد دقیقاً در همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند. اعتماد اجتماعی چیزی نیست که فقط با توصیه اخلاقی ساخته شود. تجربه روزمره انسان‌ها را می‌سازد. اگر فرد بارها ببیند که دیگران به تعهد خود عمل نمی‌کنند، قواعد برای همه یکسان نیست یا نهاد‌ها رفتار غیرقابل پیش‌بینی دارند، طبیعی است که در روابط بعدی محتاط‌تر شود. وقتی این تجربه در مقیاس وسیع تکرار شود نتیجه آن فقط بی‌اعتمادی میان چند فرد نیست هزینه همکاری در کل جامعه بالا می‌رود.

جامعه‌ای که اعتماد در آن پایین آمده، برای انجام بسیاری از کارها مجبور است از کنترل بیشتری استفاده کند. چیزی که در یک محیط سالم با اعتماد انجام می‌شود، در محیط بی‌اعتماد نیازمند قرارداد، نظارت ضمانت و کنترل مداوم است. این مسئله فقط هزینه اقتصادی ندارد؛ انرژی اجتماعی را هم مصرف می‌کند.

حریم امن ملی در اندیشه رهبری

ابزار راهبردی

هنگامی که این اصول اخلاقی و معرفتی در ساخت اندیشه پذیرفته شود، باید در عرصه حکمرانی نیز متجلی شود. در راستای تأکیدات اخیر رهبری که فرمودند «هر اقدامی که به انسجام اجتماعی لطمه بزند، اکیداً ممنوع است» https://akshbariran.ir/?p=۱۴۳۳۴،۵،۶،۱۴۰۵، می‌توان گفت که خط قرمز اصلی کشور، تضعیف انگیزه‌های ملی و ایجاد شکاف در پیکره جامعه است. براین اساس، دستگاه‌های اجرایی، بانک‌ها، اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌های کارگری موظف‌اند در بین‌الملل نیز، انسجام داخلی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چرا که قدرت و توان هر کشوری در نظام بین‌الملل، مستقیماً به میزان انسجام ملی و مدیریت اختلافات داخلی بستگی دارد. فقدان این انسجام، به دشمن اجازه می‌دهد با ایجاد شکاف و تفرقه، امنیت کشور را به راحتی به مخاطره اندازد.

پیش‌شرط دستیابی به این انسجام، اصلاح رویکردهای ذهنی و اخلاقی در جامعه است. بر اساس آیه شریفه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (آیه ۱۰۹ سوره ضحی) که مورد تأکید رهبر انقلاب نیز قرار گرفته است، الفتای امید و پرهیز از یأس پراکنی با یادآوری توانمندی‌ها، به وظیفه است. این بدین معنا نیست که ضعف یا کاستی وجود ندارد، بلکه به معنای مدیریت صحیح چالش‌هاست. در حالی که دشمن در جنگ روایت‌ها سعی دارد مشکلات را بزرگ‌نمایی کرده و ناامیدی را تزریق کند، بهترین راهبر، تبیین واقع‌بینانه دستاوردهای صنعتی و دفاعی در کنار ارائه راهکارهای عملی برای رفع چالش‌هاست. رکن دیگر این مبانی، اخلاق‌مداری است. مطالبه‌گری و انتقاد اگرچه نشانه نپویایی جامعه است، اما نباید به بهانه عدالت‌خواهی و دفاع از آرمان‌ها، به ابزاری برای تخریب شخصیت افراد و ظلم به بی‌گناهان تبدیل شود. چنان‌که رهبری تأکید داشته‌اند، ظلم به بی‌گناه سبب محرومیت از برکات الهی خواهد شد. همچنین در بحث بصیرت، نباید دچار برتری‌بینی شد؛ اینکه برخی تصور کنند تنها خود حقیقت را می‌فهمند و بصیرت انحصاری است، خطایی راهبردی است. بصیرت واقعی، در گرو سعه‌صدر و جذب حداکثری نیروهای معتقد است؛ در غیر این صورت، کسی که بصیرت را تنها در چشم و عقل خود محصور کند، گامی در مسیر بی‌بصیرتی برداشته است.



پرونده ویژه

پنج‌شنبه/ ۱۲ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۲۸

یکی از پایه‌های واقعی انسجام، کارآمدی است

کارآمدی و انسجام

اما انسجام را نمی‌توان صرفاً با توصیه رسانه‌ای یا در دِ عوَت اخلاقی ایجاد کرد.

انسجام اجتماعی، پیش از آنکه محصول شعار باشد، محصول تجربه زیسته مردم از حکمرانی است. وقتی شهروند کشور در مواجهه با گرانی، بیکاری، تبعیض، ناکارآمدی یا بی‌ثباتی اقتصادی، پاسخ روشن و قابل لمسِی دریافت نمی‌کند، سرمایه اجتماعی فرسوده می‌شود؛ بنابراین، یکی از پایه‌های واقعی انسجام، کارآمدی است. دولت و سایر نهادهای حاکمیتی اگر خواهان جامعه‌ای منسجم هستند، باید بتوانند مسئله‌های واقعی مردم را ببینند، برای آنها تصمیم بگیرند و نتیجه تصمیم را به زندگی روزمره شهروندان منتقل کنند.

در این میان، «روایت قدرت و قوت ایران» نیز نباید با تبلیغات و انکار ضعف‌ها اشتباه گرفته شود. روایت قدرت زمانی اقناع‌کننده است که در کنار پذیرش صادقانه مشکلات، ظرفیت‌های واقعی کشور را نیز نشان دهد. جامعه‌ای که فقط ضعف‌های خود را بشنود، مستعد ناامیدی می‌شود؛ اما جامعه‌ای که فقط موفقیت‌های ادعایی را بشنود و مشکلات عینی‌اش نادیده گرفته شود، به بی‌اعتمادی می‌رسد. روایت مؤثر، میان صداقت و امید پیوند برقرار می‌کند. تهدید اصلی زمانی شکل می‌گیرد که شکاف‌های طبیعی جامعه به شکاف‌های هویتی و سیاسی تبدیل شوند و سپس این شکاف‌ها توسط بازیگران بیرونی مورد بهره‌برداری قرار گیرند. تجربه جنگ و فشارهای اخیر نشان داد که در شرایط بحران، جامعه منسجم می‌تواند بسیاری از ضعف‌های ساختاری را جبران کند؛ در مقابل، جامعه‌قطبی شده حتی در شرایط عادی نیز با هزینه‌های سنگین حکمرانی مواجه خواهد بود. از همین رو، پس از بحران نیز حفظ انسجام نباید به فراموشی سپرده شود؛ زیرا دشمن فقط در میدان نظامی شکست نمی‌خورد، بلکه باید امکان بازسازی شکاف‌های اجتماعی نیز از او گرفته شود.

شاید بتوان پیام اخبر رهبری را چنین صورت‌بندی کرد: انسجام اجتماعی، «حریم امن» قدرت ملی است و هیچ جریان، نهاد یا فردی نباید منافع کوتاه مدت سیاسی، رسانه‌ای یا جناحی خود را بر آن مقدم بداند. حفظ این حریم البته با حذف اختلاف‌ها ممکن نیست؛ با مدیریت عاقلانه اختلاف‌ها ممکن است. جامعه منسجم، جامعه بی‌اختلاف نیست؛ جامعه‌ای است که اختلاف‌هایش را درون یک هویت و سرنوشت مشترک مدیریت می‌کند؛ بنابراین، مهم‌ترین مطالبه امروز از نهادهای سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی، تبدیل انسجام از یک شعار مناسبتی به یک «پیوست حکمرانی» است؛ هر تصمیم اقتصادی، هر سیاست رسانه‌ای، هر سخن سیاسی و هر اقدام فرهنگی باید علاوه بر آثار مستقیم خود، از منظر پیام‌دش بر اعتماد عمومی و همبستگی ملی نیز سنجیده شود. برای مثال، دولت محترم هر تصمیمی ناظر به اصلاح قیمت حامل‌های انرژی از جمله بنزین بگیرد، فارغ از اصل تصمیم، باید تبعات آن را بسنجد و صادقانه همه چیز را با مردم در میان بگذارد. مردم اگر محرم دانسته شوند، هیچ‌گاه مغل انسجام اجتماعی نخواهند بود. اگر چنین نگاهی شکل بگیرد، انسجام اجتماعی نه صرفاً توصیه‌ای برای روزهای بحران، بلکه به یکی از ارکان دائمی قدرت، امنیت و پیشرفت ایران تبدیل خواهد شد.

امیرحسین طالبیان
دانشجوی کتتری علوم سیاسی

د عوَت عمومی به وحدت و توصیه به حفظ انسجام اجتماعی، یک امر جدید نیست؛ اما وقتی رهبر انقلاب در پیام هفته دولت با صراحت اعلام می‌کند «ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است»، با یک توصیه معمول اخلاقی یا دعوَت کلی به وحدت مواجه نیستیم؛ بلکه با صورت‌بندی یک مسئله راهبردی رویه‌رو هستیم. اهمیت این گزاره زمانی روشن‌تر می‌شود که آن را در کنار توصیه‌های هم‌زمان ایشان درباره روایت «قدرت و قوت ایران»، پرهیز از سخنان ناامیدکننده و جلوگیری از «دوگانه‌سازی‌های موهوم» قرار دهیم.

انسجام اجتماعی در این نگاه، حاشیه سیاست و حکمرانی نیست؛ بلکه بخشی از ظرفیت قدرت ملی است. کشوری که در معرض فشار خارجی، تحریم، جنگ ترکیبی و عملیات روانی قرار دارد، فقط با قدرت نظامی و اقتصادی از خود صیانت نمی‌کند. مهم‌تر از آن، باید بتواند سرمایه اجتماعی خود را حفظ کند؛ یعنی شهروندان آن، با وجود اختلاف نظرها و نقدها، در لحظه‌های تعیین‌کننده احساس کنند که سرنوشت مشترکی دارند و در برابر تهدید بیرونی، منافع ملی بر شکاف‌های داخلی غلبه دارد. از همین جاست که معنای «ممنوعیت» اهمیت پیدا می‌کند. ممنوع دانستن اقدام علیه انسجام اجتماعی به معنای ممنوع کردن نقد، اختلاف نظر یا مطالبه‌گری نیست. جامعه‌ای که نقد در آن وجود نداشته باشد، نه منسجم بلکه خاموش است و سکوت نیز لزوماً نشانه رضایت یا اعتماد نیست. مرز اصلی، جایی است که نقد از مسیر اصلاح مسئله خارج شده و به تولید نفرت، تحقیر سرمایه‌های ملی، تحریک شکاف‌های اجتماعی یا القای ناآوانی و بی‌آیندگی کشور تبدیل شود. در پیام اخیر، نمونه‌هایی از دوگانه‌سازی‌های موهوم مانند «جنگ با مذاکره»، «وفاق یا تندروی» و «سازش یا جنگ طلبی» دقیقاً در همین چارچوب مطرح شده‌اند.



تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تبیین سه‌گانه انسجام اجتماعی
در اندیشه رهبر شهید
تاریخ، سنت و قرآن
دکتر احمد صادقی
مدرس دانشگاه تهران و قم

تاریخ، معلم امت‌هاست و سنی الهی، برنامه درس آن. قرآن حکیم در باب ثبات سنن الهی می‌فرماید: **وَلَنْ تَجِدَ لِسْمَةَ اللَّهِ تُبْدِيلاً**؛ پس قوانین حاکم بر سرنوشت جوامع به هیچ وجه تمادفی نیست. سنن الهی، قانون‌های تجربه‌پذیر امت‌ها در تاریخ‌اند، **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**. خداوند به تحقق سنت اجتماعی و حجت و انسجام بر محور حبل الهی امر می‌کند؛ **وَأَعِصُمُوا بَعْثَ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرُقُوا**. حبل، کلاف رشته‌های ناهمگون است؛ طناب از در هم تنید رشته‌های

سالاریه، رئیس سازمان فضایی ایران؛

ماهوره‌های «پارس ۲» و «منظومه شهید سلیمانی» آماده پرتاب هستند

آرمین جعفرآوغلی

دانشجو علوم قضایی و پژوهشگر حقوق عمومی

رهبر انقلاب در پیام اخیر خود به مناسبت هفته دولت، با عبارتی قاطع و صریح فرمودند: «قاطعانه اعلام می‌کنم، ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است». این جمله، نه یک توصیه عادی بلکه یک فرمان راهبردی در شرایط حساس کنونی است؛ هشدارِی که مرزهای کشگری در جامعه را برای همه آحاد آن ترسیم می‌کند.

یکم: «ممنوعیت»؛ چرا این واژه؟

رهبری با انتخاب واژه «ممنوع»، مسئله را به سطح تکلیف شرعی و الزام حکمرانی ارتقا می‌دهند. این تعبیر نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی در شرایط کنونی، نه یک فضیلت اخلاقی اختیاری، که خط قرمز نظام است. از منظر حقوق عمومی، این «ممنوعیت» در بستر اتحاد ملی تحقق پیدا می‌کند. اتحادی که دولت به عنوان بخش مهمی از حاکمیت موظف به حفظ آن است. رهبر شهید انقلاب فرموده‌اند: «دشمن دو نقطه اساسی را هدف گرفته، یکی وحدت ملی، یکی امنیت ملی. وحدت ملی مهم است؛ نگذارید وحدت را به هم بزنند». پیوند این دو نقطه، نشان می‌دهد که خدشه در انسجام، در واقع خدشه در امنیت ملی است؛ از همین روست که فرزندان – امام مجتبی خامنه‌ای (حفظه الله) – با واژه «ممنوع» از آن یاد می‌کنند.

اما این ممنوعیت به معنای نفی نقد متصفانه نیست. رهبر شهید تصریح کرده‌اند: «نمی‌گویم انتقاد نباشد؛ انتقاد همراه با اعتماد. می‌خواهند انتقاد کنند، اشکال ندارد. اما اعتماد داشته باشند». مرز میان «نقد سازنده» و «اقدام علیه انسجام» در اینجاست؛ نقدی که با اعتماد همراه باشد، در چارچوب انسجام قرار می‌گیرد؛ اما نقدی که به نفرت پراکنی، دشنام، دروغ و اهانت بکشد، از مرز عبور کرده است. در حقوق عمومی، این مرز دقیقاً همان جایی است که آزادی بیان (اصل ۲۴ قانون اساسی) در تعامل با نظم عمو می (اصل ۹) سنجیده می‌شود و مصداق بارز تحدید مشروع آزادی‌ها برپایه منافع جمعی است.

دوم: کارآمدی حکمرانی؛ پیش‌شان اصلی انسجام

انسجام اجتماعی بدون کارآمدی حکمرانی محقق نمی‌شود. رهبر شهید در این زمینه تأکید داشتند: «مشارکت یعنی حضور پرشور مردم در انتخابات....مشارکت یک چنین معجزه‌ای می‌کند». این سخن نشان می‌دهد که انسجام، محصول اعتماد میان مردم و حاکمیت است؛ اعتمادی که با عملکرد ملموس در حل مشکلات معیشتی، اقتصادی و فرهنگی پدید می‌آید. از نگاه حقوق عمومی، این اعتماد، بنیاتی جز حق‌حقوق ملت (فصل سوم قانون اساسی) ندارد. نهادهای

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

است و نه صرفاً متشابه. اما سنن الهی یک روی دیگر نیز دارند؛ سنتی که قرآن نسبت به آن هشدار می‌دهد. دشمنان امت‌ها همیشه گسل‌ساز بوده‌اند به همین دلیل نسبت به «وَلَا تُزَآوُوا» نهی شده، زیرا تنازع، فتور و زوال به باری‌آورد. در نظام فکری رهبر شهید، راهبرد دشمن اینگونه توصیف می‌شد: تولید بی‌اعتمادی متقابل میان مردم و حکومت، تبدیل اختلاف طبیعی به گسل، دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی و نسلی و بحران‌سازی. راه مقابله با این برنامه دشمن را هم اینگونه بیان می‌کردند: نگذاریم اختلاف جزئی، گسل شود؛ بر «اصول» پافشاری کنیم و بدانیم که اختلافات واقعی، کمتر از ظاهریه اختلاف است. این جمله حکیمانه دقیقاً متناسب با حال کنونی ماست که تریبون‌ها فراوان‌اند و نان برخی تریبون‌ها گاه از داغ کردن شکاف پخته می‌شود.

شاهد زنده این سنت، در همان ماه‌های پایانی زندگی پربارشان آشکار شد؛ همبستگی ملت در جنگ ۱۲ روزه؛ آنجا که همه اقوام و مذاهب، در یک جهت و هدف با یک عواطف و امید ایستادند و توطئه تفرقه بی‌اثر ماند. شاهد دیگر از جنس زبان است. پاسخ ایشان به آنان که از «آشتی ملی» سخن می‌گفتند؛ می‌فرمود که چرا می‌گویید آشتی؟ مگر فرهنگند که آشتی کنند؟ مردم متحدند. کسی که از «آشتی» سخن می‌گوید، شکاف را از قبل در ذهنش ساخته است.

به مدد و لطف و ولایت فقیه هنوز هم این حبل در میان ملت است. ملت ما از کوه‌های

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱۳۹۸

تصویری از شعار «وفاق یا تندروی» در جریان اعتراضات ۱



پرونده ویژه



از سرمایه حیاتی تا سد دفاعی در برابر جنگ ترکیبی

انسجام با پشتوانه اعتماد

مشکلات نیست؛ باید هم‌زمان ضعف‌ها و ظرفیت‌ها را دید. ضعف باید شناخته و برای رفع آن برنامه‌ریزی شود؛ اما نباید به سرنوشت محبوم تبدیل شود. روایت صحیح قدرت زمانی اثرگذار است که با قدرت واقعی همراه باشد؛ واقعیت‌های مثبت دیده و برای رفع کاستی‌ها اقدام شود.

انسجام اجتماعی با توصیه به همدلی شکل نمی‌گیرد. پشتوانه اصلی آن، اعتماد عمومی است و با کیفیت حکمرانی پیوند دارد. مردم زمانی اعتماد و احساس تعلق بیشتری دارند که عدالت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و حل مسائل ملموس زندگی را در عملکرد مسئولان مشاهده کنند. انسجام یک مسئولیت دوطرفه است؛ مردم، نخبگان و رسانه‌ها باید از رفتارهای تفرقه‌افکنانه پرهیز کنند و نهادهای حکمرانی نیز باید با افزایش کارآمدی و پاسخگویی، سرمایه اجتماعی را تقویت کنند. در غیر این صورت، فاصله جامعه و حکمرانی اعتماد را کاهش و شکاف‌ها را تشدید می‌کند. راهکاری عملی آن است؛ هر تصمیم مهم باید پیوست انسجام اجتماعی داشته باشد، علاوه بر سنجش آثار اقتصادی، سیاسی و اجرایی، باید پرسید این تصمیم چه اثری بر اعتماد عمومی و همبستگی دارد؟ آیا فاصله‌ها را کاهش می‌دهد؟ آیا عدالت و مشارکت را تقویت می‌کند؟ چنین نگاهی، انسجام را از یک شعار به معیاری عملی در حکمرانی تبدیل می‌کند.

این مسئله در شرایط جنگ ترکیبی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. فقط توان مادی کشور هدف قرار نمی‌گیرد؛ اعتماد مردم، امید به آینده و پیوندهای اجتماعی نیز اهمیت دارند. ایجاد اختلاف، بزرگ‌نمایی شکاف‌ها و القای ناتوانی جامعه را فرسوده می‌کند. جامعه‌ای با پیوندهای اجتماعی مستحکم، در برابر فشارهای روانی و اجتماعی تاب‌آوری بیشتری خواهد داشت.

انسجام اجتماعی یکی از مهم‌ترین سدهای دفاعی کشور در برابر تلاش‌های هدف‌گیرنده سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و امید ملی است. در اندیشه رهبر شهید و حضرت امام خمینی (ره)، سرمایه اجتماعی جایگاهی بنیادین دارد. استحکام پیوند میان مردم و حاکمیت، اعتماد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و همدلی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی اند و بدون آن، برنامه‌های توسعه و حکمرانی نیز پشتوانه اجتماعی کافی نخواهند داشت.

انسجام اجتماعی یکسان‌اندیشی یا حذف تفاوت‌ها نیست؛ متفاوت باشیم، اما دشمن یکدیگر نشویم؛ مشکلات را ببینیم، اما امید را از دست ندهیم؛ نقد کنیم، اما سرمایه اجتماعی را تخریب نکنیم. ایران قوی تنها برخوردار از توان اقتصادی، علمی و دفاعی نیست؛ جامعه‌ای است که در روزهای سخت، پیوندهای درونی خود را حفظ می‌کند و اختلافات طبیعی را به شکاف‌های فرساینده تبدیل نمی‌کند. انسجام اجتماعی را باید سرمایه‌ای حیاتی برای ایران دانست که در روزهای آرام، مسیر پیشرفت را هموار می‌کند و در روزهای بحران، به سدی دفاعی در برابر جنگ ترکیبی و تلاش برای فرسایش امید، اعتماد و همبستگی ملی تبدیل می‌شود. حفظ این سرمایه، توصیه‌اخلاقی نیست؛ بخشی از الزامات قدرت ملی و مسئولیتی مشترک میان مردم، نخبگان، رسانه‌ها و نهادهای حکمرانی است. این رویکرد به معنای نادیده گرفتن اختلافات یا مشکلات نیست، بلکه بر پذیرش تفاوت‌ها، گفت‌وگوی مسئولانه، تقویت اعتماد عمومی و تبدیل ظرفیت‌های اجتماعی به پشتوانه‌ای برای حل مسائل کشور تأکید دارد.



اسما لطف آبادی آگاه مسائل اندیشه

قدرت یک کشور تنها در اقتصاد، فناوری و توان دفاعی آن خلاصه نمی‌شود. انسجام اجتماعی، سرمایه‌ای حیاتی است که در آرامش زمینه‌ساز پیشرفت و در بحران عامل تاب‌آوری ملی است. جامعه‌ای که مردم آن، با وجود تفاوت در دیدگاه و سلیقه، سرنوشت مشترکی داشته باشند، در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر خواهد بود. در چنین منظر، تأکید رهبر انقلاب در پیام اخیر خود به مناسبت هفته دولت بر اینکه «ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است»، صرفاً توصیه‌ای اخلاقی نیست؛ هشدار برای دوری از پاره پکی از پایه‌های قدرت ملی است. تأکید هم‌زمان بر روایت قدرت و قوت ایران و پرهیز از سخنان ناامیدکننده و دوگانه‌سازی‌های موهوم نیز در همین چارچوب است.

آسیب به انسجام اجتماعی، صرفاً یک اختلاف نیست؛ زیرا می‌تواند سرمایه اعتماد و توان جمعی جامعه را فرسوده کند. جامعه سالم به نقد نیاز دارد و نقد منصفانه زمینه اصلاح را فراهم می‌کند. مرز نقد سازنده با رفتار ضد انسجام، در هدف و نتیجه

واکاوی آسیب‌شناختی آفت‌های انسجام اجتماعی

قانون بقا



علیرضا احمدی قره زاغ آگاه مسائل سیاسی

مقام رهبری، امام سیدمجتبی خامنه‌ای (مد ظله)، در پیام اخیر خود به مناسبت هفته دولت، با صراحتی کم‌نظیر و هشدار ای راهبردی، مرزهای کششگری در سبهر عمومی را بازتعریف کردند؛ «ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است». این کلام، فراتر از یک توصیه اخلاقی، یک «قانون بقا» در شرایط پیچیده کنونی است. از منظر جامعه‌شناسی، انسجام اجتماعی تنها یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه «چسب مولد هستی یک ملت» است. وقتی این چسب بر اثر آفات ساختاری و رفتاری از بین برود، جامعه نه یک پیکره واحد، بلکه به مجموعه‌ای از ذرات پراکنده تبدیل می‌شود که در برابر کوچک‌ترین تلاطم‌ها، از هم می‌پاشند. در این نوشتار، به واکاوی دقیق‌ترین آفت‌ها و تهدیداتی می‌پردازیم که این سرمایه حیاتی را هدف قرار داده‌اند. اولین و شاید خطرناک‌ترین آفت، ایجاد «دوگانه‌سازی‌های موهوم» است. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که جریان‌های فکری با سیاسی، مسائل پیچیده را در قالب‌های «صفر و یکی» و تقابیل‌های کاذب قرار می‌دهند؛ تقابیل‌هایی که واقعیت وجود ندارند، اما برای ایجاد تفرقه ساخته شده‌اند. مصادیق این دوگانه‌سازی در فضای ما، از جمله تقابیل‌های ساختگی میان «جنگ یا مذاکره»، «وفاق یا تندرستی» و «سازش یا جنگ طلبی» است.

از منظر تحلیل سیاسی، این دوگانه‌سازی‌ها یک «تله شناختی» هستند. وقتی جامعه را درگیر این بحث می‌کنیم که «با باید جنگید یا باید مذاکره کرد»، در واقع توان خرد جمعی برای یافتن «راه سوم» یا همان «قدرت مبتنی بر دیپلماسی» را سلب می‌کنیم. این آفت باعث می‌شود که سیاست، از عرصه «حل مسئله» به عرصه «جنگ ارزش‌ها» تبدیل شود. در این وضعیت، نخبگان و مسئولان به جای تمرکز بر مدیریت چالش‌ها، ناگزیر به دفاع از مواضع و دو قطبی می‌شوند؛ امر، شکاف میان جریان‌های مختلف را عمیق‌تر و تزلزل در تصمیم‌گیری‌های ملی را افزایش می‌دهد. بر انگیزه‌های ملی اثر می‌گذارد. رهبری به درستی فرمودند که ضعف و نقص، نیازمند روایت نیست، بلکه نیازمند اقدام است. اما آنچه در فضای عمومی رخ می‌دهد، اغلب «برجسته‌سازی مفراط کاستی‌ها» است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، «روایت» قدرت ساختن واقعیت را دارد. وقتی روایت‌های رسانه‌ای و محافل نخبگانی، تنها برلکه‌های تیرگی اقتصادی یا محدودیت‌های سیاسی تمرکز کنند و از «روایت قدرت و توانمندی‌های ملی» غافل بمانند، نوعی

انسجام اجتماعی از خانه آغاز می‌شود

نقش زن در حریم امن ملی

دکتر نصیبه سادات حسینی

پژوهشگر حوزه زن و خانواده

تأکید بر ممنوعیت هرگونه اقدام علیه انسجام اجتماعی، این پرسش اساسی را پیش می‌کشد که انسجام در کدام لایه‌های حیات اجتماعی ساخته یا تخریب می‌شود. پاسخ به این پرسش، ما را از تقلیل انسجام به عرصه سیاست و رسانه باز می‌دارد؛ زیرا انسجام اجتماعی صرفاً هم‌صدایی سیاسی یا همراهی ظاهری نیست، بلکه فرآیندی تربیتی و اجتماعی است که از شکل‌گیری اعتماد، مسئولیت‌پذیری، گفت‌وگو، همدلی و احساس تعلق آغاز می‌شود. نخستین محیطی که این عناصر در آن تجربه و درونی می‌شوند، خانواده است. از این رو، خانواده را باید یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های امنیت اجتماعی و ملی دانست.

انسان موجودی ایستا نیست، بلکه همواره در مسیر شدن و رشد قرار دارد و کیفیت این رشد تا حد زیادی به محیط‌هایی وابسته است که در آنها زندگی می‌کند. خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن با محبت، مسئولیت، آزادی، محدودیت، اعتماد و انتخاب مواجه می‌شود. بنابراین خانواده تنها نهادهی برای تأمین نیازهای زیستی و عاطفی نیست، بلکه نخستین محیط تربیت اجتماعی و اخلاقی انسان به شمار می‌رود. جامعه منسجم جامعه‌ای نیست که همه اعضای آن یکسان ببینند یا همواره دیدگاهی واحد داشته باشند؛ بلکه جامعه‌ای است که افراد آن از کودکی می‌آموزند چگونه تفاوت‌ها را تحمل کنند، دیگری را تحفه نکنند و مسائل را از مسیر گفت‌وگو و مسئولیت‌پذیری حل کنند. به همین دلیل، شیوه مواجهه اعضای خانواده با اختلاف‌ها، شکست‌ها، موفقیت‌ها و تفاوت‌های فردی، در شکل‌گیری نگرش اجتماعی فرزندان اثر مستقیم دارد.

در این میان، زن، به‌ویژه در جایگاه مادر و همسر، در بسیاری از خانواده‌ها نقش مهمی در شکل دهی به فضای عاطفی، گفت‌وویی و تربیتی خانه ایفا می‌کند. این سخن به معنای تحمیل مسئولیت انسجام خانواده بر زنان یا نادیده گرفتن نقش دیگر اعضای خانواده نیست، بلکه بیانگر جایگاه موثر زنان در تولید و انتقال سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مفهومی انتزاعی و دور از زندگی روزمره نیست؛ بلکه در رفتارهایی مانند اعتماد، وفاداری، رعایت حقوق دیگران، توان شنیدن، همکاری و تحمل اختلاف شکل می‌گیرد. مادری که در مواجهه با تعارض‌ها از تعحیر، مقایسه و طرد پرهیز می‌کند و به جای آن، گفت‌وگو، احترام و حل مسئله را در خانه تمرین می‌دهد، در واقع در حال تقویت بنیان‌های انسجام اجتماعی است. برای نمونه، در خانواده‌ای که اختلاف نظر میان والدین یا فرزندان از طریق گفت‌وگو مدیریت می‌شود، فرزندان می‌آموزند که تفاوت الزاماً به دشمنی و حذف دیگری منجر نمی‌شود. در مقابل، خانه‌ای که در آن بدبینی، تعحیر و شکاف دائمی بازناتولید می‌شود، ممکن است افرادی تربیت کند که در عرصه عمومی نیز آمادگی بیشتری برای خشونت کلامی، طرد اجتماعی و قطعی‌سازی داشته باشند.

با این حال، نقش زن را نباید به مادری با خانه‌داری تقلیل داد. زن می‌تواند معلم، پژوهشگر، کارآفرین، فعال اجتماعی و کنشگر رسانه‌ای باشد و در هر یک از این موقعیت‌ها در تقویت یا تضعیف انسجام اجتماعی اثر بگذارد. مسئله اصلی، حذف یکی از نقش‌ها نیست، بلکه ایجاد توازن و هماهنگی میان آنهاست. از این منظر، دوگانه‌هایی مانند «زن یا خانواده»، «مادری یا پیشرفت»، «تعهد یا آزادی» و «حضور اجتماعی یا نقش تربیتی» دوگانه‌هایی موهوم‌اند که زن را در برابر انتخاب‌های کاذب قرار می‌دهند. حضور اجتماعی زنان زمانی می‌تواند به انسجام کمک کند که با کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری، امید و اصلاح اجتماعی همراه باشد؛ همان‌گونه که خانوادگی آنان نیز زمانی سازنده است که با اختیار، آگاهی و امکان رشد همراه شود.

در عین حال، نمی‌توان تولید امید و انسجام را صرفاً به وظیفه اخلاقی خانواده‌ها یا زنان واگذار کرد. زنی که با فشار اقتصادی، فرسودگی روانی، ناامنی شغلی و فقدان حمایت‌های اجتماعی مواجه است، نمی‌تواند به تنهایی بار حفظ آرامش و امید خانواده را بر دوش بکشد. بنابراین، اگر خانواده را حریم امن ملی می‌دانیم، این امنیت باید در سیاست‌گذاری عمومی نیز بازتاب یابد. حمایت از خانواده، تسهیل فرزندآوری، کاهش فشار معیشتی، تأمین مسکن، توسعه خدمات مراقبتی، ارتقای سلامت روان، حمایت از مادری و به‌رسمیت شناختن ارزش کار تربیتی و خانگی، از الزامات حکمرانی انسجام‌ساز است. جامعه‌ای که از زنان انتظار رفتار کثاری دارد، اما زیرساخت‌های لازم برای ایفای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی آنان را فراهم نمی‌کند، در حقیقت مهم‌ترین عامل انسجام خود را فرسوده می‌سازد.

انسجام اجتماعی نه با حذف تفاوت‌ها و نه با سکوت زنان به دست می‌آید؛ بلکه از مسیر رشد انسان، اصلاح محیط‌های تربیتی و تقویت اعتماد شکل می‌گیرد. خانواده نخستین حریم این فرآیند است و زن، در کنار دیگر اعضای خانواده و نهادهای اجتماعی، نقشی مهم در ساختن فضای گفت‌وگو، امید و مسئولیت‌پذیری دارد. بنابراین، دفاع از انسجام ملی مستلزم آن است که خانواده تقویت شود، زنان از نگاه ابزارهایی بایند و سیاست‌گذاری عمومی میان نقش خانوادگی و اجتماعی آنان تعارضی مصنوعی ایجاد نکند. خانواده‌ای که بستر رشد اعضای خود باشد، می‌تواند در برابر بحران‌ها تاب‌آوری بیشتری نشان دهد و جامعه‌ای بسازد که در برابر فشارهای بیرونی، دچار گسست و فروپاشی نشود.



انسجام اجتماعی؛ حریم امن ملی و ضرورت زیست مؤمنانه

ستون فقرات قدرت ملی



محمد امین طهماسبیان آگاه مسائل حقوقی

مقام رهبری، امام سیدمجتبی خامنه‌ای، در پیام اخیر خود به مناسبت هفته دولت، گزاره‌ای راهبردی را مطرح کردند که در سپهر سیاسی و حقوقی کشور، معنایی فراتر از یک توصیه اخلاقی دارد؛ «ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است». این کلام، در واقع ترسیم‌کننده مرزهای «نظم عمومی» در معنای کلان آن است؛ جایی که بقای یک ملت و استحکام حاکمیت، در گرو پیوند وثیق اتحاد جامعه و پرهیز از گسست‌های خودساخته است. به عنوان کسی که در گسرت حقوقدان، نظم حقوقی و ثبات اجتماعی را پیش‌شرط هرگونه توسعه می‌داند، معتقدم این هشدار را باید به مثابه یک «اصل آمره» در حکمرانی مطلوب نگریست. انسجام اجتماعی، ستون فقرات قدرت ملی است. در تحلیل حقوقی، جامعه‌ای که از انسجام برخوردار نباشد، به مثابه پیکره‌ای است که دفاع ایمنی‌اش مختل شده و در برابر کوچک‌ترین نفوذ، دچار التهاب می‌شود. رهبری با هوشمندی، این انسجام را در تقابل با «دوگانه‌سازی‌های موهوم» و «سخن ناامیدکننده» تعریف کرده‌اند. در نگاهی واقع‌بینانه، آنچه امروز انسجام را تهدید می‌کند، نه اختلاف نظر در مسائل جزئی که رواج «دوقطبی‌های کاذب» است، دوقطبی‌هایی که نه بر مدار خیر عمومی، بلکه بر محور سیاست‌زدگی افراقی بنا شده و اعتماد عمومی را که «سرمایه اصلی نظام» است، هدف قرار می‌دهند.

اما چرا باید انسجام اجتماعی را یک ضرورت حیاتی و نه صرفاً یک شعار دانست؟ پاسخ در «پیامدهای خدشه در انسجام» نهفته است؛ پیامدهایی که هم در سطح خرد اجتماعی و هم در سطح کلان ملی، پرهزینه و جبران‌ناپذیرند.

اولین پیامد، تضعیف «قدرت بازدارندگی» کشور است. در نظام بین‌الملل، قدرت یک دولت تنها در توان نظامی خلاصه نمی‌شود؛ توان بازدارندگی حقیقی، برآیند اتحاد ملی و تاب‌آوری جامعه است. وقتی شکاف‌های اجتماعی مستحق می‌یابد، دشمن در محاسبات خود دچار خطای استراتژیک می‌شود؛ او گمان می‌کند که با فشارهای خارجی می‌تواند «نقطه جوش جامعه» را بشکند و به نفوذ دست یابد. در واقع، هر شکافی که در فضای داخلی گشوده می‌شود، دعوت‌نامه‌ای برای بدخواهان است.

دوم، گسترش بی‌اعتمادی و ناامیدی است که «کارآمدی» را به مسلخ می‌برد. وقتی روایت غالب در رسانه‌ها و فضای عمومی، روایتی از «بن‌بست» و «ناکارآمدی مطلق» باشد، موتور محرک پیشرفت کشور از کار می‌افتد. انسجام، تنها به معنای هم‌نوایی نیست، بلکه به معنای ایجاد فضای «امید مسئولانه» است. نقد منصفانه که از ارکان حقوق شهروندی و نظارت عمومی است، هرگز به معنای ترویج یأس نیست. نقد سازنده برای اصلاح امور است، نه برای



پرونده ویژه

پنج‌شنبه/ ۱۲ شهریور ۱۴۰۵ / شماره ۶۲۸

جنگ شناختی و تهدید انسجام اجتماعی

وقتی شکاف‌ها سلاح می‌شوند

اعتراض به سیاست‌ها و بیان ناراضاتی، بخشی از حیات طبیعی یک جامعه متکثر است. آنچه انسجام را تهدید می‌کند، خود اختلاف نیست؛ تخریب امکان گفت‌وگو و کنش مشترک است. عملیات شناختی می‌تواند اختلاف‌های عادی را به تقابل‌های هویتی تبدیل کند؛ به‌گونه‌ای که یک گروه، گروه دیگر را نه رقیب یا منتقد، بلکه تهدیدی برای موجودیت خود ببیند. در این حالت، «دوگانه‌سازی موهوم» به آفت انسجام تبدیل می‌شود و جامعه به جای حل مسائل، درگیر اثبات خصومت طرف مقابل می‌شود.

جنگ شناختی همیشه با ترساندن پیش نمی‌رود؛ گاهی با القای این تصور عمل می‌کند که هیچ راه موثری برای تغییر وجود ندارد. در چنین روایتی، مشکلات واقعی به نشانه شکست مطلق و فشارهای بیرونی به اثبات ناتوانی تبدیل می‌شوند. تداوم این تصویر، احساس بی اثری را تقویت می‌کند و به تدریج می‌تواند به «درماندگی آموخته‌شده» بینجامد، یعنی فرد یا جامعه باور کند تلاش برای تغییر نتیجه‌ای ندارد. پیامد چنین وضعیتی فقط ناامیدی نیست؛ کاهش انگیزه همکاری و عقب‌نشینی از کنش جمعی نیز هست. درمقابل، «روایت قدرت» به معنای پنهان کردن ضعف‌ها نیست؛ یعنی جامعه بتواند کاستی‌های خود را ببیند، اما ظرفیت اصلاح و توانایی‌هایش را نیز انکار نکند.

هیچ عملیات شناختی در خلأ اجتماعی عمل نمی‌کند. شکاف زمانی به گسست تبدیل می‌شود که اعتماد، گفت‌وگو و پیوندهای مشترک تضعیف شده باشند. بنابراین، انسجام اجتماعی فقط نتیجه مطلوب حکمرانی نیست؛ یکی از ظرفیت‌های دفاعی جامعه است. این ظرفیت با شعار ایجاد نمی‌شود. شفافیت، پاسخگویی، دسترسی مردم به اطلاعات معتبر، تقویت سواد رسانه‌ای و پرورش توان تحلیل انتقادی، در کنار پذیرش تکرر اجتماعی، زمینه‌های آن را فراهم می‌کنند. جامعه‌ای که با مشکلات واقعی مواجه است، با دعوت به مثبت‌اندیشی در برابر جنگ شناختی مقاوم نمی‌شود، کاهش زمینه‌های بی‌اعتمادی، خود بخشی از دفاع شناختی است.

در نهایت، تهدید اصلی آن نیست که جامعه اختلاف داشته باشد؛ تهدید زمانی شکل می‌گیرد که اختلاف به بی‌اعتمادی، بی‌اعتبارسازی متقابل و احساس ناتوانی تبدیل شود. دشمن می‌تواند شکاف‌های واقعی را برجسته و معنای آنها را تغییر دهد. اما نمی‌توان بدون وجود زمینه‌های اجتماعی، به‌سادگی آنها را به گسست تبدیل کند. از همین رو، دفاع شناختی ایران فقط مسئله مقابله با پیام‌های دشمن نیست؛ مسئله تقویت جامعه‌ای است که بتواند واقعیت را ببیند، درباره اختلاف‌هایش گفت‌وگو کند و در شرایط فشار، امکان همکاری را حفظ کند. حفظ این ظرفیت، دفاع از یکی از لایه‌های اساسی امنیت ملی ایران است.

انسجام از زاویه‌ای متفاوت

آفت‌های گفتمان عمومی دوگانه‌سازی و ناامیدی

سید سجاد خشنودی

آگاه مسائل اندیشه

مقام رهبری در پیامی به مناسبت هفته دولت در تاریخ ۶ شهریور ۱۴۰۵، با صراحت تمام فرمودند: «قاطعه اعلام می‌کنم؛ ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است». ایشان در

این پیام، «هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی» و «هر نوع دوگانه‌سازی موهوم» را به‌همچون آفت‌های اصلی انسجام اجتماعی برشمرد و تأکید کرده‌اند که این آفت‌ها «ازاین پس هم می‌تواند همان تأثیر را به‌جا بگذارد». اما این آفت‌ها دقیقاً چیستند، چگونه پدید می‌آیند و چه پیامدهای جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارند.

۱. دوگانه‌سازی‌های موهوم؛ آفت نخست

اولین و شاید مهم‌ترین آفت انسجام اجتماعی، دامن‌زدن به دوگانه‌سازی‌های موهوم است. رهبری در این باره هشدار داده‌اند که «هر نوع دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاقی یا تدروی، سازش یا جنگ طلبی»، جامعه را به دو قطبی‌های کاذب می‌کشاند. ایشان با اشاره به سیاست‌دشمنان برای «دشمن موهوم درست کردن» تأکید کرده‌اند که «ایران در مقابل عرب، فلان قومیت در مقابل فلان قومیت دیگر، شیعه در مقابل سنی، اینها سیاست‌های دشمنان است؛ باید با این مقابله کرد». برای نمونه، دوگانه «حجاب یا بی‌حجابی» که همچون یک مسئله امنیتی– فرهنگی مطرح می‌شود، گاهی به تقابل‌های سیاسی غیرواقعی تبدیل می‌شود و فضای گفت‌وگوی اجتماعی را تخریب می‌کند. این دوگانه‌ها، واقعیت پیچیده مسائل کشور را به انتخاب‌های سیاه‌وسفید تقلیل می‌دهند و فضای گفت‌وگوی عقلانی را از بین می‌برند.

۲. سخن ناامیدکننده؛ زهرکشنده انسجام

دومین آفت بزرگ، پخش «سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی» است. رهبری در این باره تصریح کرده‌اند، «ضعف و نقص و کمبود، نیازمند روایت و برجسته‌سازی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع و حل مشکل است». در مقابل، «قوت و قدرت و نقاط مثبت» به موجب آموزه قرآنی «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» نیازمند روایت و برجسته‌سازی است. ایشان همچنین هشدار داده‌اند که «تصورسازی غلط و منفی و ناامیدکننده از اوضاع ایران، مهم‌ترین دستور کار امروز دشمن است». از منظر ایشان، «گاهی بیان صادقانه ضعف‌های خود در وقتی که دشمن به روحیه نیاز دارد، کمک‌برزرگی به او است». روایت ضعف، ناتوانی و بزرگ‌نمایی مشکلات، نه تنها به انسجام لطمه می‌زند، بلکه به تعبیر ایشان «روان‌پریشی» جمعی ایجاد کرده و اراده ملی برای پیشرفت را فلج می‌کند. جامعه‌ای که گرفتار یأس

سعید امیرسلیمانی، بازیگر تئاتر و تلویزیون؛

زمان ما مردم می‌آمدند تئاتر ببینند، نه چهره



 	سیدهراب سیدکامپی	
آگاه مسائل فرهنگی		

انسجام اجتماعی در اندیشه راهبردی رهبری شهید و رهبر انقلاب، نباید تنها به مثابه یک توصیه اخلاقی برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان آحاد جامعه تلقی شود. این مفهوم، در حقیقت صورت‌بندی دقیق یک ضرورت امنیتی و یک راهبرد تدافعی برای حفظ موجودیت یک ملت در برابر هجمه‌های پیچیده است. وقتی از انسجام سخن به میان می‌آید، درواقع از حریم امن ملی سخن می‌گوییم؛ حریمی که اگر شکسته شود، نه تنها نظم داخلی، بلکه کیان سیاسی و هویت تاریخی کشور در معرض تهدید قرار می‌گیرد. این موضوع، به ویژه در شرایط کنونی که میدان جنگ، از مرزهای جغرافیایی به سپهر روایت‌ها و اذهان عمومی منتقل شده، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

در تحلیل پیوند میان انسجام و امنیت، باید به یک سازوکار روان شناختی و اجتماعی بنیادین توجه کرد که در کلام رهبری شهید به خوبی تبیین شده است. ایشان در بیانات خود به صراحت می‌فرمایند: «اگر ملتی از داشته‌های خود غافل شود، توانایی‌های خود را نبیند، پیشرفت‌های خود را باور نکند، تحقیر خواهد شد؛ وقتی تحقیر شد، خود را حقیر دید، آماده تسلیم در مقابل دشمن خواهد شد.» (۱۳۳۰/۱۰/۱۴۰۴) این گزاره، یک نقشه‌راه برای فهم چرایی فروپاشی درونی جوامع است. در این فرآیند، نقطه آغاز آسیب، نه حمله نظامی دشمن، بلکه غفلت از داشته‌ها و نشناختن توانایی‌های خودی است. وقتی یک جامعه به جای تمرکز بر نقاط قوت و دستاوردهای واقعی، درگیر دوگانه‌سازی‌های موهوم و نزاع‌های بی‌پایان داخلی می‌شود، گویی آینده‌ای که هویت جمعی خود را در آن می‌بیند، دچار تکرار خوردگی شده است. در چنین آینه‌ای، تصویر ملت از خودش، تصویری شکست‌خورده، ناتوان و محتاج است.

این تحقیر خودخواسته یا خودکم‌بینی ناشی از عدم انسجام، خطرناک‌ترین مرحله در فرآیند استحاله ملی است. دشمن، برای تحقق اهداف خود، دقیقاً بر همین نقطه تمرکز می‌کند. رسانه‌های بیگانه و اتاق‌های فکر وابسته به جریان سلطه، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا با ضرب دادن به اختلافات، بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و کتمان دستاوردها، حس ناتوانی را به جامعه تزریق کنند. راه انتقال از مسیر فتح قله‌هاست. ملتی که خود را باور داشته باشد، نیازی به تکیه بر بیگانگان ندارد و راه تسلیم را برای همیشه روی دشمنان خود می‌بندد. این همان معنای واقعی حریم امن ملی است که با انسجام، ساخته و با ایمان، محافظت می‌شود.

وقتی «ما» از «من» بزرگ‌تر می‌شود

مسئله‌ای به نام «اعتماد»



اینجاست که مفهوم «روایت قدرت» نیز معنای دقیق‌تری پیدا می‌کند. روایت قدرت نباید به معنای ندیدن ضعف‌ها باشد. ضعف، وقتی شناخته‌نشود، اصلاح نمی‌شود. مسئله این است که ضعف باید تمام تصویر ایران را تشکیل دهد. جامعه‌ای که فقط شکست‌های خود را می‌بیند، توانایی‌هایش را فراموش می‌کند و جامعه‌ای که فقط موفقیت‌ها را می‌بیند، ممکن است مشکلات واقعی خود را انکار کند. روایت درست، ترکیبی از واقعیت، امید و مسئولیت است.

یکی از خطرناک‌ترین اتفاقات برای انسجام اجتماعی، ممکن است تبدیل مسائل پیچیده به دوگانه‌های ساده است؛ اینکه مردم را مجبور کنیم میان «این یا آن» انتخاب کنند. گویی هیچ راه سومی برای گفت‌وگو وجود ندارد. چنین فضای به‌جای حل مسئله، جامعه را به چند قطب خسته و عصبانی تقسیم می‌کند.

اما انسجام فقط مسئولیت حکومت نیست. رسانه‌ای که خبر را بدون التهاب و تعریف منتقل می‌شود و مسئولان نیز سهم خود را در حل مسائل خانوادہ‌ای که فرزندش را به شیدن نظر مخالف عادت می‌دهد و حتی یک کاربر عادی در فضای مجازی، همگی در ساختن یا تخریب سرمایه اجتماعی نقش دارند.

شاید مهم‌ترین درس این باشد که در روزهای سخت، انسجام با شعار ساخته نمی‌شود؛ با رفتار ساخته می‌شود. با مسئولیتی که مسئول می‌پذیرد، صداقتی که رسانه نشان می‌دهد، نقدی که متصفانه بیان می‌شود و امیدي که برواقعیت تکیه دارد. ایران برای عبور از بحران‌ها فقط به منابع اقتصادی و قدرت نظامی نیاز ندارد؛ به مردمی نیاز دارد که هنوز احساس کنند «ما وجود دارد». «ما» یعنی اختلاف داریم، اما دشمن همدگر نیستیم؛ مشکل داریم، اما از حل آن ناامید نشده‌ایم؛ نقد می‌کنیم، اما خانه خودمان را ویران نمی‌کنیم. اگر انسجام را حریم امن ملی بدانیم، دیوار این حریم نه از سکوت ساخته شده و نه از یکسان‌سازی افکار؛ از اعتماد ساخته شده است و شاید امروز مهم‌ترین وظیفه همه ما این باشد که هر جا می‌توانیم، یک آجر به این دیوار اضافه کنیم، نه اینکه با یک جمله، یک شایعه یا یک دوگانه‌سازی، بخشی از آن را فرو بریزیم.



راهبرد کلان رهبری در تقابل با جنگ روایت‌ها

خطرناک‌ترین مرحله

نهایت، به جای آنکه جامعه به سمت حل مسائل حرکت کند، درگیر فرسایش درونی می‌شود.

پیامد نهایی این فرآیند، همان چیزی است که رهبری شهید به آن اشاره کرده‌اند: «آمادگی برای تسلیم». تسلیم، همیشه با جنگ و اشغال نظامی آغاز نمی‌شود، بلکه تسلیم در مرحله‌ای پیشتر، یعنی در اراده و تصمیم یک ملت رخ می‌دهد. وقتی ملتی به دلیل نبود انسجام داخلی، توانایی‌های خود را باور ندارد، در هنگام مواجهه با فشارهای خارجی، به جای مقاومت و تدبیر، دچار تزلزل در اراده می‌شود. این همان لحظه خطرناکی است که دشمن در انتظار آن است. در این حالت، تسلیم نه یک انتخاب ناگهانی، بلکه نتیجه فوری وضعیتی است که در آن، انسجام اجتماعی به عنوان پشتوانه اصلی قدرت، از دست رفته است. جامعه‌ای که متحد نیست، صدایی واحد ندارد و ملتی که صدایی واحد ندارد، توان شنیدن فریاد اقتدار خویش را نیز ندارد؛ در نتیجه، در برابر هر اراده خارجی، خود را کوچک و شکست‌خورده می‌بیند.

برای مقابله با این روند مخرب، روایتگری قدرت، یک وظیفه عمومی است. پرهیز از دامن‌زدن به اختلافات و کنار گذاشتن رفتارهایی که بنیان وحدت ملی را نشانه می‌گیرد، تنها یک کنش سیاسی نیست؛ بلکه صیانت از حریم امن خانه مشترک همه ایرانیان کشور دوست است. در این میان، مسئولان، نخبگان و کنشگران رسانه‌ای، وظیفه‌ای سنگین بر دوش دارند. آنان باید با تکیه بر واقعیت‌های میدانی و پیشرفت‌های ملموس، تصویری یک ملت مقتدر، بالنده و امیدوار را ترسیم کنند. چرا که انسجام اجتماعی، بستر اصلی ظهور و بروز قدرت ملی است. اگر انسجام باشد، توانمندی‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود، نوآوری‌ها شکوفای می‌شود و دشمن در محاسبات خود برای ضربه‌زدن به کشور، با دیواری مستحکم از اتحاد روبه‌رو می‌شود.

بنابراین، باید گفت که انسجام اجتماعی، ابزاری حیاتی در میدان‌های نبرد ترکیبی است. هر اقدامی که به این وحدت لطمه بزند، درواقع هموار کردن مسیر برای تحقق خواسته‌های دشمن است. تحلیل این پیوند منطقی میان غفلت از قدرت خودی و آمادگی برای تسلیم، نشان می‌دهد که چرا رهبر انقلاب با چنین قاطعیت و صراحتی، هرگونه آسیب به انسجام را ممنوع اعلام می‌کنند. حفظ این انسجام، تنها راه فرار از دام تحقیر و تضمین‌کننده عزت، پیشرفت و تداوم راه انقلاب در مسیر فتح قله‌هاست. ملتی که خود را باور داشته باشد، نیازی به تکیه بر بیگانگان ندارد و راه تسلیم را برای همیشه روی دشمنان خود می‌بندد. این همان معنای واقعی حریم امن ملی است که با انسجام، ساخته و با ایمان، محافظت می‌شود.

چرا حل مسائل مردم، مهم‌ترین سنگر انسجام اجتماعی است؟

از کارآمدی تا اعتماد

شرایط سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ اهمیت این مسئله را دوچندان کرده است. در شرایط ناشی از تشدید درگیری‌های نظامی، فشار بر معیشت، اشتغال، ذخیره‌تأمین و خدمات ضروری افزایش یافته است؛ برنامه توسعه سازمان ملل متحد در ارزیابی مارس ۲۰۲۶ هشدار داده که این شوک‌ها می‌توانند بر معیشت و توسعه انسانی ایران آثار جدی بگذارند و حتی دستاوردهای کاهش فقر را معکوس کنند. این واقعیت نشان می‌دهد که کارآمدی حکمرانی در شرایط بحران، صرفاً یک فضیلت مدیریتی نیست؛ بخشی ازتاب‌آوری ملی است.

در چنین شرایطی، نمی‌توان از مردم انتظار داشت صرفاً با شریعت، روایت‌های امیدبخش، نسبت به آینده امیدوار بمانند؛ البته روایت درست و امیدآفرین ضروری است، اما پشتوانه پایداران. ما مشاهده توانایی کشور در حل مسائل واقعی است. به بیان روشن‌تر، قوی‌ترین روایت یکمخمس، عملکردی است که مردم بتوانند آن را در زندگی خود لمس کنند.

بنابراین، راهبرد تقویت انسجام اجتماعی را باید از سه مسیر دنبال کرد: نخست، مسئله محوری حکمرانی؛ یعنی بررسی عملکرد دستگاه‌ها با میزان گرگشایی از مسائل واقعی مردم، نه صرفاً تعداد برنامه‌ها و وعده‌ها. دوم، شفافیت و پاسخگویی؛ مردم باید در مورد تصمیمات و اقدامات و نتیجه آنها آگاه شوند. سوم، پیوست انسجام اجتماعی برای سیاست‌گذار؛ هر تصمیم مهم باید پیش از اجرا از منظر آثار آن بر اعتماد عمومی، شکاف‌های اجتماعی و احساس عدالت تیزرانی شود.

البته انسجام به معنای سکوت در برابر ضعف‌ها یا تعطیلی نقد نیست. جامعه منسجم جامعه‌ای نیست که در آن اختلاف نظر وجود نداشته باشد؛ بلکه جامعه‌ای است که اختلاف‌ها را به خصوصت و به اعتمادی تبدیل نمی‌کند. مردم در جامعه با وجود انتقادات، همچنان به امکان اصلاح و حل مسئله باور دارند و برای آن تلاش می‌کنند. بنابراین، انسجام اجتماعی نقطه آغاز حکمرانی کارآمد نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین نتایج آن است. هر مسئله‌ای که با تدبیر و صداقت حل می‌شود، یک آجر به بنای اعتماد عمومی اضافه می‌شود. هر وعده بی‌نتیجه مسئولین یا مسئله رهاشده، بخشی از این بنا را فرسوده می‌سازد. بنابراین اگر انسجام اجتماعی «حریم امن ملی» است، یکی از مهم‌ترین راه‌های حفاظت از این حریم، فقط دعوت مردم به همدلی نیست، بلکه ایجاد حکمرانی‌ای است که مردم، کارآمدی، پاسخگویی و توانایی حل مسئله آن را در زندگی واقعی خود ببینند.

انسجام اجتماعی نقطه آغاز حکمرانی کارآمد نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین نتایج آن است

این مسئله درباره نسل‌های جدید اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا تجربه آنان از عملکرد نهادها و کیفیت حل مسائل، می‌تواند بر میزان اعتمادشان به ساختارهای اجتماعی و حکمرانی و در نتیجه بر فاصله یا پیوند آنان با نسل‌های پیشین اثر بگذارد. از این منظر، تقویت اعتماد عمومی می‌تواند یکی از مسیرهای پیشگیری از عمیق‌تر شدن شکاف نسلی نیز باشد.

